



گزارش نشست تخصصی

برنامه ۲۵ ساله همکاری ها

تھرنک-پکن

و

چشم انداز مناسبیت ایرنک و چین
در دهه آینده

مجمع بین المللی اساتید مسلمان دانشگاه ها

۱۳۹۹/۴/۳۰

行



اعضای نشست تخصصی



آقای غلامعلی خوشرو

نماینده سابق
جمهوری اسلامی ایران
در سازمان ملل



**آقای سید محمدحسین
ملائک**

سفیر اسبق جمهوری اسلامی
ایران در چین



دکتر فؤاد ایزدی

مدیرعامل مجمع بین المللی
اساتید مسلمانان دانشگاهها و
عضو هیأت علمی دانشگاه تهران



دکتر ووینگ بینگ

عضو هیأت علمی
دانشگاه پکن



آقای هوا لیمینگ

سفیر اسبق جمهوری خلق چین
در ایران



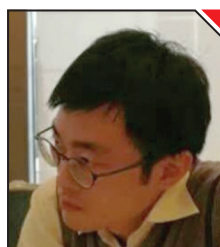
دکتر ابوالفضل علمایی

مدرس دانشکده روابط بین الملل
وزارت امور خارجه



دکتر فن خونگ دا

عضو هیأت علمی
 دانشگاه مطالعات بین‌المللی
 شانگهای چین



دکتر چین تیان

عضو هیأت علمی
 انستیتو روابط بین‌المللی
 معاصر چین



دکتر جین لیانگ شیانگ

عضو هیأت علمی
 انستیتو مطالعات بین‌المللی
 شانگهای چین



دکتر حامد وفاپی

مدیر گروه مطالعات چین مجمع
 بین‌المللی اساتید مسلمان
 دانشگاه‌ها و عضو هیأت علمی
 دانشگاه تهران



دکتر محسن شریعتی نیا

عضو هیأت علمی دانشگاه
 شهید بهشتی



دکتر مهدی یوسفی

مدیر برنامه آموزش آنلاین
 دانشگاه مطالعات بین‌المللی
 شانگهای چین



دکتر علیرضا مظلوم رهنی

مدیر گروه حقوق خصوصی
 مجمع بین‌المللی اساتید
 مسلمان دانشگاه‌ها و عضو هیأت
 علمی دانشگاه آزاد اسلامی

طرح نامه نشست



الف) مقدمه

ایران و چین به عنوان دو کشور مهم و تاثیرگذار در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی از سابقه‌ای قابل تامل و چشمگیر طی چند دهه گذشته در گسترش مناسبات دو جانبه برخوردارند. روابط ایران و چین از نوع روابط فراگیر و جامع در سطح بین‌المللی است و همواره متضمن منافع دو طرف بوده است. چین، یکی از اهداف تحرکات سیاست خارجی ایران به شمار می‌آید تا از طریق مشارکت دیپلماتیک با آن، منافع سیاسی و اقتصادی کشور توأمان تامین شود. در حوزه مسائل اقتصادی، با توجه به جمعیت یک و نیم میلیاردی آن، می‌تواند بازار بزرگی برای عرضه کالاهای ایرانی باشد و به نوعی در کاهش اثرات تحریم موثر واقع شود. در سوی دیگر این رابطه، پکن نیز رابطه با ایران را سودمند و تامین‌کننده منافع خود دانسته است. عواید اقتصادی رابطه با ایران برای این کشور جاذبه‌هایی دارد که انکار آن با عقلانیت اقتصادی منافات دارد. در سالهای اخیر رابطه چین و آمریکا با چالش جدی مواجه گردیده و چین در صدد شناسایی حوزه‌های آسیب پذیر خود در تقابل با آمریکا می‌باشد. در حوزه انرژی با توجه به اینکه ۶۰٪ انرژی چین از خلیج فارس تامین میشود، ارتباط با کشورهای حوزه خلیج فارس اهمیت پیدا می‌کند. از طرف دیگر، چین کاملاً دریافته در شرایطی که کشورهای این حوزه مجبور به انتخاب باشند، ایالات متحده را بر چین ترجیح خواهند داد. ایران، تنها کشوری است که دارای سیاست خارجی مستقل بوده و می‌تواند با داشتن منابع فراوان نفت و گاز در تامین امنیت انرژی چین نقش ایفا کند. بنابراین رابطه راهبردی بین دو کشور کاملاً طبیعی بوده و علیرغم فراز و نشیب‌های فراوان در تاریخ، حفظ و توسعه روابط دوجانبه از اصول خدشه ناپذیر سیاست خارجی دو کشور بوده است. برخی از ویژگی‌ها از جمله رهبری دو حوزه تمدنی در شرق و غرب آسیا، مبانی اصولی سیاست خارجی دو کشور در احترام به تمامیت ارضی کشورها، اعتقاد به اصل هم زیستی مسالمت‌آمیز در جامعه جهانی و هم چنین مواضع جمهوری اسلامی ایران مبنی بر عدم وابستگی به بلوک‌های سیاسی،

نفی رفتار تبعیض‌آمیز قدرت های غربی با کشورهای آسیایی و برقراری هژمونی اقتدار گرایانه در روابط بین‌الملل، و استراتژی تنوع شرکای سیاسی و تجاری در اصول سیاست خارجه جمهوری اسلامی ایران، موجب افزایش روابط با جمهوری خلق چین گردیده است. از این رو به نظر میرسد تبیین فرصت‌ها و چالش های فراروی رابطه دو جانبه ایران و چین از ضرورتی آشکار با مقیاس منافع ملی برخوردار است. شناخت دقیق این بستر نیازمند ارزیابی واقع بینانه از وضعیت فعلی روابط دو کشور در حوزه های مختلف سیاسی، اقتصادی و نظامی است تا بر پایه آن بتوان ضمن ارائه طریق و تشریح الزامات راهبردی، روند های احتمالی پیش رو و چشم‌انداز آتی این مناسبات را برآورد کرد.

برنامه راهبردی همکاری‌های تهران و پکن در روزهای اخیر به عنوان یکی از موضوعات مهم در محافل سیاسی مطرح گردیده و افکار و جریانات سیاسی داخل و خارج از کشور به تحلیل این سند پرداخته و بعضا مواضع ضد و نقیضی در این خصوص اتخاذ نموده اند. با توجه به این که مجمع بین‌المللی اساتید مسلمان دانشگاه‌ها در ارتباط دائم با محافل علمی و آکادمیک می‌باشد، در راستای تحقق اهداف خود در تاریخ ۳۰ ام تیر ماه ۱۳۹۹ با دعوت جمعی از اندیشمندان و متخصصین این حوزه، اقدام به برگزاری نشست تخصصی با عنوان «برنامه ۲۵ ساله همکاری‌های تهران - پکن و چشم‌انداز مناسبات ایران و چین در دو دهه آینده» نمود و امید است توانسته باشد به بعضی از سوالات اساسی در این حوزه پاسخ دهد.

ب) هدف

تبیین ابعاد مختلف برنامه ۲۵ ساله همکاری‌های تهران - پکن و نقش آن در توسعه روابط آتی دو کشور

ج) موضوعات مطرح شده در نشست

- تبیین مواضع موافقان و مخالفان برنامه همکاری‌های ۲۵ ساله تهران - پکن
- شناخت ظرفیت های ویژه اقتصادی چین
- ضرورت تدوین برنامه جامع بلند مدت در توسعه روابط
- آمریکا، مانعی در توسعه مناسبات ایران و چین
- ضرورت شناخت و اعتماد استراتژیک در روابط راهبردی
- ایجاد بستر مناسب جهت سرمایه گذاری شرکتهای کوچک و متوسط چینی
- ثبات منطقه‌ای، رویکرد چین در توسعه روابط با کشورهای خاورمیانه
- مؤلفه‌ها و الزامات تعمیق روابط راهبردی تهران - پکن
- تقویت اعتماد راهبردی و مدیریت اختلافات، عوامل تاثیرگذار در روابط بلند مدت
- نقش دیپلماسی عمومی در توسعه روابط دو کشور



د) اعضای نشست تخصصی

- ۱- دکتر فؤاد ایزدی
مدیر عامل مجمع بین المللی اساتید مسلمانان دانشگاهها و عضو هیات علمی دانشگاه تهران
- ۲- آقای سید محمدحسین ملائک
سفیر اسبق جمهوری اسلامی ایران در چین
- ۳- آقای غلامعلی خوشرو
نماینده سابق جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل
- ۴- آقای هوا لیمینگ
سفیر اسبق جمهوری خلق چین در ایران
- ۵- دکتر حامد وفائی
مدیر گروه مطالعات چین مجمع و عضو هیات علمی دانشگاه تهران
- ۶- دکتر محسن شریعتی نیا
عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی
- ۷- دکتر ابوالفضل علمائی
مدرس دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه
- ۸- دکتر علیرضا مظلوم رهنی
مدیر گروه حقوق خصوصی مجمع و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی
- ۹- دکتر مهدی یوسفی
مدیر برنامه آموزش آنلاین دانشگاه مطالعات بین الملل شانگهای چین
- ۱۰- دکتر وو بینگ بینگ
عضو هیات علمی دانشگاه پکن
- ۱۱- دکتر فن خونگ دا
عضو هیات علمی دانشگاه مطالعات بین الملل شانگهای چین
- ۱۲- دکتر جین لیانگ شیانگ
عضو هیات علمی انستیتو مطالعات بین الملل شانگهای چین
- ۱۳- دکتر چین تیان
عضو هیات علمی انستیتو روابط بین الملل معاصر چین

خلاصہٴ مباحث



دکتر فؤاد ایزدی

جلسه امروز با موضوع برنامه ۲۵ ساله همکاری‌های تهران - پکن و چشم‌انداز مناسبات ایران و چین در دو دهه آینده می‌باشد. اگر دوستان رصد مختصری داشته باشند از اخبار چند هفته گذشته کشور، متوجه میشوند که این موضوع، نیاز به یک نشست تخصصی دارد. نشست امروز جهت بررسی دقیق تر این مساله شکل گرفته است. در این نشست، از چین‌شناسان برجسته کشور و اساتید و مسئولین سابق و فعلی دعوت شده است و امیدواریم نتایج خوبی حاصل شود.

آقای سید محمدحسین ملانک

روابط ایران و چین یک رابطه ساده دو جانبه نمیباشد. جایگاه ایران و چین، جایگاه ویژه ای در سطح جهانی میباشد. نزدیک شدن این دو کشور بهم اثرات بسیار بااهمیتی در نظام سیاسی جهان و منطقه خود ما دارد و لاجرم مخالفینی دارد، بخش اول صحبتیم ارزیابی است از واکنش‌هایی که نسبت به این قضیه در جامعه خود ما شده، یک بخش عمده‌اش شاید بیش از ۷۰-۸۰ درصد این واکنش‌ها منطبق هست بر یک شایعه سازی که در واقع یک سال و نیم قبل مجله petroleum economist انجام داد و براساس آن خانم شیرین هانتر یک مقاله عاطفی بر علیه روابط ایران و چین نوشت و به نظر من این دو، جزو عوامل و عناصر جوسازی علیه خود مطلب و تفاهم نامه بوده و لذا لزومی ندارد که خیلی به آن پردازیم. دومین گروه مخالفین، نیروهای مخالف سیاسی دولت هستند که بیشتر جنبه انتقادآمیز دارند واحساس می‌کنم یک رقابت خیلی کم عمق و کم ارزشی است و سومین واکنش، واکنش جدی است که آقای فرشاد مؤمنی انجام دادند، ایشان معتقد هستند که این تفاهم‌نامه به نفع ایران نخواهد بود. استدلال ایشان این هست که تا نظام اقتصادی سیاسی ایران درست نشود هر گونه همراهی و توسعه روابط با کشورهای خارجی فقط مشکلات مردم را اضافه می‌کند و چیزی در ظرف توسعه کشور بوجود نمی‌آید. نقطه ضعفی که ما در همه تفاهم‌نامه‌هایی که با کشورهای خارجی داریم این است که ما یک الگوی توسعه روابط منظم و دقیق و باصطلاح سازمان یافته در کشور نداریم. تا کنون شش برنامه توسعه در ایران تعریف کرده ایم. راندمان بهترینش ۵۲ درصد و راندمان بدترینش ۳۵ درصد است، یعنی اینکه ما در برنامه‌های توسعه اصلا موفق نیستیم، برنامه ریزی نمی‌توانیم بکنیم. لذا انتقاد ایشان برمی‌گردد به یک انتقاد ساختاری خیلی عمیق که قطعاً مورد توجه است. در مورد تفاهم نامه ۲۵ ساله، نگاه بنده این است که ما بر اساس نیاز به دولت چین وارد مذاکره شدیم یعنی نیاز به اینکه یک کسی از شرایط متزلزل ما حمایت کند و نمودار این است که در ذهن تحریمی تفاهم نوشته شده است. در حالی که اگر از زاویه نظام بین الملل و تعهدات نظام بین الملل وارد بشویم، هم اکنون چین در شرایطی است که به دنبال ائتلاف می‌گردد بنابراین چین یک نیاز جدی سیاسی ژئوپولیتیک به ایران خواهد داشت. این تفاهم نامه به دلیل اینکه کمک می‌کند روابط ما با یک کشور بزرگ جهان در یک چهارچوب منظم قرار داشته باشد، یک نقطه عطف در سیاست خارجی ایران است و در مجموع تفاهم نامه‌ای است که کمک می‌کند به ثبات سیاسی در روابط بین الملل هر دو کشور و باعث تضمین منافع دو کشور خواهد شد.



آقای غلامعلی خوشرو

امریکا در ۴۰ سال پیش یعنی ۱۹۸۰، تولید ناخالص داخلی اش نزدیک سه تریلیون بوده؛ الان ۲۲ تریلیون است یعنی تقریباً ۸ برابر شده، حال اینکه چین در ۱۹۸۰، ۳۰۵ میلیارد تولید ناخالص داخلی داشته، الان ۱۵/۵ تریلیون، یعنی در سال ۲۰۲۰، بر اساس برآورد بانک جهانی ۱۵/۵ تریلیون می‌شود، یعنی ۵۱ برابر می‌شود. همینطور درآمد سرانه در آمریکا از ۴۰ سال پیش تا حالا ۵ برابر شده، در چین ۳۶ برابر شده. اگر ما این را ملاک بگیریم حتی اگر بیاوریم رو ۲۰ سال گذشته یعنی سال ۲۰۰۰، منحنی پیشرفت چین، ۱۵ برابر پیشرفت کرده از ۲۰۰۰ تا الان. این یعنی چی؟ یعنی اینکه اقتصاد، صنعت، تجارت چین جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است. چهل سال پیش، نزدیک به ۹۰ درصد جامعه چین زیر خط فقر بودند یعنی در روز کمتر از دو دلار درآمد داشتند، الان یک درصد هم نیست. حتی در طول همین ۲۰ سال را بگویم که راحت‌تر بشود ارزیابی کرد. بیست سال قبل، چین ده میلیون توریست در دنیا داشت که می‌رفتند می‌آمدند، الان ۱۵۰ میلیون توریست از چین می‌روند گردش می‌کنند و پولی که خرج می‌کنند تقریباً دو برابر پولی است که آمریکایی‌ها خرج می‌کنند. می‌بینید که تحولات خیلی بزرگی اتفاق افتاده و دیگر جامعه چین یک جامعه بسته کشاورزی منزوی نیست. ما باید این را توجه داشته باشیم که یک نوع جنگ سردی خواسته یا ناخواسته بین چین و آمریکا در جریان است. الان هم رقابتشان با آمریکا، رقابت ایدئولوژیک نیست، رقابت ژئواکونومی، رقابت اقتصادی، رقابت فنی است و منافع خودشان را هم در نظر دارند. چین ظرفیت‌های ویژه‌ای دارد. پروژه کمربند جاده یک پروژه بسیار بلند پروازانه‌ای است که چین از طریق بنادر و از طریق زمین، یک رابطه مستقیمی با اروپا و آفریقا پیدا می‌کند و خیلی سریع و پرشتاب می‌تواند بر تمام این مسیرهای استراتژیک دست پیدا کند. پس چین دنبال این منافع است. از طرف دیگر ایران هم یک موقعیت خاص استراتژیک دارد. جنوب آن، خلیج فارس و شمالش دریای خزر است و همسایگان متفاوتی که با فرهنگ‌ها و ارزش‌های مختلف در کنار ایران قرار دارند. موقعیت نیروی انسانی و موقعیت ارزش استراتژیک ایران، به ما کمک می‌کند که با چین یک رابطه استراتژیک راهبردی داشته باشیم. انگلیس سالی ۶۳ میلیارد از چین واردات دارد. چین اولین صادراتش به اتحادیه اروپاست. کل کشورهای اروپایی نزدیک به ۶۶۰ میلیارد دلار از چین واردات دارند، بعدش آمریکاست. بعدش آ.سه. آن است بعد ژاپن است. بنابراین وضعیت چین نیاز به این دارد که واقعا چین را بشناسیم. ما باید بدانیم که این تفاهم ۲۵ ساله فعلاً یک نقشه راهی بیشتر نیست. من امیدوارم که تبدیل به پروژه‌هایی بشود که در آن منافع طرفین دیده بشود.

دکتر ابوالفضل علمایی

اگر چشم انداز همکاری دو دهه را در نظر بگیریم که بین چین و ایران باشد قاعدتاً یک برنامه جامع بلند مدت در این زمینه ضروری است و قاعدتاً تدوین این سند پاسخی است به همین ملزوماتی که در دو دهه آینده در تحولات بین شرق و غرب آسیا وجود خواهد داشت. بی‌شک قرن ۲۱، قرن آسیاست. تحقیقات و پژوهش‌هایی که وجود دارد بیانگر این هست که در سالهای آتی بیش از ۸۰ درصد از تبادلات تجاری دنیا بین شرق و غرب آسیا اتفاق می‌افتد و این دو تا مکمل یکدیگر هستند. سهم آمریکا از تولید ناخالص جهانی از ۵۰ درصد در سال ۱۹۵۰ به ۲۵ درصد در سال ۱۹۹۱ و در حال حاضر به یک هفتم جهان کاهش پیدا کرده است. در سال ۲۰۱۹ صادرات چین دو تریلیون و چهارصد و نود و نه میلیون دلار بوده در حالی که میزان



صادرات امریکا یک تریلیون و ششصد و چهل و پنج. بلحاظ اقتصادی چین جایگاهی پیدا کرده که قابل انکار نیست. طبیعتاً کشورهایی مثل ما با برآمدن یک قدرتی در سطح جهانی، اگر پلن مشخصی داشته باشیم می‌توانیم سود و منافع بیشتری ببریم. بنابراین تدوین یک رابطه بلند مدت کاملاً مبتنی بر منافع ملی است. بر این اساس، من فکر می‌کنم که در دهه‌های آتی و سالهای آتی تبادلات تجاری بین شرق و غرب آسیا اهمیت بسیار زیادی خواهد داشت. ایده کمر بند راه که سرعت تبادلات را در قلمرو خاکی افزایش می‌دهد قاعدتاً مورد توجه ما هست و می‌تواند منفعی را متوجه ما بکند.

دکتر هوا لیمینگ

از سال ۱۹۹۱ وقتی در تهران سفیر شدم تا سال ۱۹۹۵ که از تهران رفتم، در ظرف این ۵ سال، مناسبات بازرگانی دو کشور خیلی ناچیز بود. برای اینکه ما نفت ایران را وارد نمی‌کردیم و کالا برای مبادله خیلی کم بود. با همه تلاش‌هایی که من داشتم متأسفانه در پایان مأموریتم در تهران، حجم مبادلات تجاری چین و ایران در حدود ۴۰۰ میلیون دلار بود. این وضع همینطور ادامه داشت تا ۱۹۹۳، وقتی چین از یک کشور صادر کننده نفت تبدیل شد به یک کشور وارد کننده. سپس، رشد رابطه تجاری چین و ایران خیلی سریع بالا رفت. اینجا یک موضوع را می‌خواهم اشاره کنم. همیشه در رابطه چین و ایران هیچ مشکلی وجود نداشته و تنها مانعی که در راه مناسبات چین و ایران وجود دارد، امریکا میباشد. همیشه در رابطه چین و آمریکا، روسای جمهوری آمریکا به روسای جمهور چین تذکر می‌دادند که نباید به ایران بسیار نزدیک بشوید. چین و ایران باید خیلی هشیار باشند، چراکه آمریکا به مدت بیست سال سعی کرده جلوی توسعه و رشد مناسبات چین و ایران را بگیرد و یک سوء تفاهمی ایجاد کند اما بنده فکر می‌کنم که نباید اجازه سوء استفاده به دیگران را بدهیم.

دکتر وو-بینگ بینگ

از نظر چین، ایران کشوری با نفوذ جهانی هست و نقش سازنده‌ای برای ترویج ثبات منطقه ایفا میکند. نگاه چین به ایران به صورت راهبردی و از منظر بلند مدت هست. ایران، یکی از اصلی‌ترین تامین‌کننده‌های انرژی در جهان هست. نکته بعدی این است که بر اساس شناخت استراتژیک، باید یک اعتماد استراتژیک وجود داشته باشد. نوعی شناخت استراتژیک بین ایران و چین وجود دارد اما همچنان باید تلاش‌های بسیار زیادی بشود تا این اعتماد استراتژیک عمق پیدا کند و بستر آن از طریق دیپلماسی عمومی میباشد. ارتباط ملت‌ها با یکدیگر، رهبران با رهبران، تجار با تجار، مسئولان با مسئولان، و بستر شبکه‌های اجتماعی میتواند در روند اعتماد سازی نقش داشته باشد.

دکتر جین لیان شیانگ

ایران و چین دلایل بسیار زیادی دارند برای اینکه مناسبات جامع و مشارکت راهبردی بین خودشان داشته باشند. دو طرف سابقه بسیار زیادی در تمدن آسیا داشته و تجارب زیادی پیدا کرده‌اند. هر دو کشور تحریم‌ها را تجربه کرده و در عین حال دغدغه‌های مشترکی دارند مثل حاکمیت ملی و استقلال ملی. با وجود تحریم‌هایی که وجود داشته، مبادلات بین دو کشور در پنج سال گذشته بسیار گسترش پیدا کرده



است. چین می‌تواند یک قدرت یا شریک اقتصادی مهمی باشد برای ایران. چالش طرف چینی در زمینه مناسبات دو جانبه این هست که بخاطر تحریم‌های آمریکا، چگونه بر این تحریم‌ها فائق بیایم. ایران می‌تواند زمینه‌ای فراهم کند شرکت‌های کوچک و متوسط چینی در ایران سرمایه‌گذاری کنند. مشکل دیگری هم در روابط ایران و چین وجود دارد و آن بحث سیاسی شدن مسائل هست. بنده تأکید دارم که دانشمندان و اندیشمندان ایران می‌توانند به حل این مسئله کمک کنند.

دکتر چین تیان

اندیشمندان و استادان باید نقش خود را در تبیین صحیح برنامه استراتژیک همکاری‌های بیست و پنج ساله انجام دهند. در این خصوص می‌خواهم به مقاله‌ای اشاره کنم که Jonathan Fulton نوشته است و پژوهشگر حوزه خاورمیانه می‌باشد. این مقاله، ۵ روز پیش در مجله Atlantic Council چاپ شد. اگر این مقاله را بخوانیم می‌تواند اطلاعات بسیار زیادی به ما بدهد. من اینجا می‌خواهم به سه نکته اشاره کنم که در مقاله ایشان آمده. نکته اول اینکه، بحث یادداشت تفاهم همکاری‌های ۲۵ ساله، ابتدا در سال ۲۰۱۶ مطرح شد که آن هم نتیجه سفر شی‌جینگ پین رئیس جمهوری چین به ایران بود. پس این توافق‌نامه به خاطر اقدامات دولت ترامپ نبوده است. نکته دوم این هست که گمانه زنی‌های زیادی مطرح می‌شود و آن هم از جانب منابعی که اسمی از آن برده نمی‌شود. نکته سوم که اشاره کرده این هست که براساس پیش نویس متن توافق ۲۵ ساله ایران و چین، ایشان گفته که ممکن است همکاری‌های نظامی امنیتی بین چین و ایران وجود داشته باشد. اما وقتی که به محتوای این یادداشت تفاهم نگاه بکنیم می‌بینیم که هیچ تهدیدی علیه منافع هیچ کسی نیست. چین هیچ رویکردی برای پارادایم نظامی در منطقه خاورمیانه ندارد. رویکرد چین در خاورمیانه، ثبات منطقه‌ای است و ما باید برای این تلاش کنیم.

دکتر فن خونگ دا

برنامه همکاری جامع ایران و چین قبل از شکل‌گیری نهایی با چالش‌های جدی روبرو شده است. این اتفاق بار دیگر به ما یادآوری می‌کند که توسعه روابط دو جانبه میان ایران و چین کاری بس دشوار است. طبیعی است که برخی از کشورهای جهان علاقه ندارند تا ایران و چین همکاری‌های بهتر و عمیق‌تری با هم داشته باشند. علاوه بر عوامل بیرونی، عوامل داخلی بسیاری همچون عدم اعتماد متقابل و کمبود شناخت عینی میان طرفین با عنوان سدی در مقابل توسعه روابط ایران و چین قرار گرفته است. سوال این است که آیا چین واقعا آمادگی لازم برای توسعه روابط با ایران را دارد؟ آیا ایران واقعا مقدمات لازم برای تعمیق روابط با چین را فراهم کرده است؟ در حقیقت ایران و چین هر دو باید به برخی از نگرانی‌های طرف مقابل پاسخ بدهند. ایران و چین بارها بر اهمیت توسعه روابط دو جانبه تأکید کردند اما این حرف‌ها اگر عملی نشوند کمکی به تقویت روابط دو کشور نخواهند کرد. ایران و چین هر دو فاقد شناخت لازم نسبت به یکدیگر هستند. و اغلب اطلاعات منتشر شده توسط کشورهای دیگر را به عنوان مرجع شناخت یکدیگر در نظر می‌گیرند که این موضوع آسیب جدی به پیشرفت روابط ایران و چین خواهد زد. به همین خاطر چین و ایران قبل از مذاکره درباره برنامه همکاری جامع ۲۵ ساله، باید هرچه سریعتر به تقویت شناخت عینی در باره یکدیگر بپردازند زیرا میزان پیشرفت در روابط دو کشور بستگی به میزان درک و شناختی است که نسبت به هم دارند.



دکتر مهدی یوسفی

تعامل به عنوان زیربنای روابط پایدار هست. شناخت و تعامل دو کشور ایران و چین میتواند به روابط پایدار کمک کند. هم اکنون در ایران رشته چین شناسی نداریم و در واقع آن چیزی که به عنوان چین شناسی در ایران است، منحصر به بحث زبان و ادبیات میباشد و تقریباً وضعیت مشابهی نیز در چین داریم. این که آیا در ایران به اندازه کافی ثبات وجود دارد یک نگرانی خیلی بزرگ برای نظام حاکمه چین است. در مسأله شناخت، یک سری موانع ریشه‌ای وجود دارد. به عنوان مثال بین سیاستمداران چینی و به طور کلی در فرهنگ چین، مسأله دین و به طور خاص اسلام به عنوان یک دین خیلی ناشناخته است. برنامه‌هایی که تحت عنوان مطالعات غرب آسیا یا خاورمیانه در چین هست، مطالعات کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس میباشد و شاید در حاشیه‌اش ایران بحث می‌شود. این در واقع مشکلاتی هست که به لحاظ زیرساختی وجود دارد. طبق چیزی که خود آمریکایی‌ها می‌گویند در دهه آینده از نظر اقتصادی، چین جایگاه آمریکا را خواهد گرفت. آینده سیستم قدرت در شبکه جهانی به شکلی خواهد بود که ما دیگر ابرقدرت به آن معنایی که سابقاً داشتیم را نخواهیم داشت. تمرکز اصلی چین در سیاست داخلی و سیاست خارجی بحث رشد اقتصادی است. چین در میان مدت، حداقل تا ده سال آینده تمایل ندارد سطح تنش را با آمریکا بالا ببرد چون این به طور مستقیم بحث رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. تجارت چین با آمریکا بیش از یک چهارم تجارت خارجه چین را تشکیل می‌دهد. پیرنگ شدن موضوع همکاری با ایران می‌تواند سطح تنش چین با آمریکا را بالاتر ببرد و به همین دلیل هم رسانه‌های چین و مقام‌های چینی تمایل دارند که در رابطه با این موضوع سکوت بکنند.

دکتر محسن شریعتی‌نیا

در روابط دو کشور مسئله شناخت، خیلی مسئله جدی نیست چون این رابطه، رابطه بین دو دولت هست نه رابطه دو ملت. در کوتاه مدت این رابطه بین دولت‌ها جریان دارد. عمده کردن بحث جامعه و شناخت به نظر من آدرس دقیقی نیست برای مشکلاتی که ما در رابطه با چین داریم. این سند، یک سندی بین دو دولت هست نه بین دو ملت. نکته دوم: در روابط بین الملل، روابط کشورها شامل چهار مرحله است: تعامل، تفاهم، همکاری راهبردی و اتحاد. ۸۰ درصد روابط کشورها در تعامل باقی می‌ماند. در این ۵۰ سال، حدود ۴۰ سال رابطه ما در قالب تعامل بوده است. ده سال است که تلاش میکنیم تفاهم را در سطح دولت‌ها شکل دهیم. این سند شاید نماد پایان دوره تفاهم است و وارد سخت‌ترین دوره روابط دو کشور شدند یعنی همکاری راهبردی. همکاری راهبردی ساده نیست. در همکاری راهبردی به نظرم چند تا نکته مهم است. نکته اول این است که این سند، یک نقشه راه است. بنابراین به طور طبیعی به یک برنامه عملیاتی نیاز دارد. این برنامه عملیاتی باید میان دولت‌ها تبیین بشود و در سطح بروکراسی راهبردی بین دو کشور. یک نکته‌ای که باید به آن توجه کنیم تقویت اعتماد راهبردی است و باید بین نخبگان دو کشور اعتماد راهبردی بوجود بیاید. نکته دوم در اجرایی شدن یک سند یا در پیشبرد همکاری‌های راهبردی، جایگاه آمریکاست. بعد از انقلاب، آمریکا نقش بسیار کلیدی داشته در اینکه رابطه ما را محدود کند. بر اساس آمارهای رسمی، سهم ما از بازار نفت چین ۳ درصد است در حالی که پیش از تحریم‌ها سهم ما بالاتر از ۱۷ درصد بود. اینکه چجوری می‌توانیم یک تعریف مشترکی از نقش آمریکا در این رابطه داشته باشیم بسیار اهمیت دارد که این رابطه یک تعریف ابزاری نداشته باشد. نکته بعد، مدیریت تفاوت‌هاست. ما یکسری تفاوت‌ها در سیاست



خارجی دو کشور داریم. بحث اسلام سیاسی بحث بسیار حساسی است و مباحث دیگری هم هست که تفاوت ایجاد می‌کند. در آن برنامه عملیاتی که تدوین می‌شود به نظرم الیت راهبردی دو کشور و بروکراسی راهبردی باید به جمع بندی‌های مشترک روی تفاوت‌ها برسند. نکته نهایی، شگفتی‌های راهبردی هست که در رابطه رخ می‌دهد. یکی از بحث‌ها این است که ما چجوری می‌توانیم شگفتی‌های راهبردی (مانند کرونا) را مدیریت بکنیم به صورتی که به مسیر رابطه آسیب نزنند.

دکتر حامد وفایی

در خصوص برنامه جامع همکاری ایران و چین به چند نکته اشاره می‌کنم. اول اینکه نقش موثر منابع غربی در جهت دهی افکار عمومی ایران و چین غیر قابل انکار است. در چین، یک لایه رسانه‌های رسمی چین هستند، و لایه دوم، رسانه‌های اجتماعی میباشند که اتفاقاً آنجا کلی مطلب مطرح شده راجع به توافق و کلی بازتاب منفی داشته بدین صورت که در ایران نسبت به چین، اعتماد وجود ندارد. موضوع دوم، بحث عدم آگاهی ایرانی‌ها از چین هست. چین یک بازار یک میلیارد و خورده‌ای هست که یک ظرفیت عظیمی برای صادرات کالای ما دارد که خیلی‌ها از آن غافل هستند. موضوع سوم، بحث هدف گذاری مدیریت استراتژیک در سطح حاکمان چین هست، یعنی ما نمی‌دانیم حکومت چین ودستگاه حاکم چین چه هدف‌گذاری برای آینده دارد. اگر این آگاه سازی انجام بشود، خیلی از این نگرانی‌ها برطرف میشود. در حوزه دیپلماسی عمومی، در مورد چین ما هیچ کاری نکردیم و ما می‌دانیم که مدیریت استراتژیک یکی از پایه‌های روابط عمومی است. دو ملت ایران و چین در دو سطح دولت‌ها و ملت‌ها به شناخت بیشتر از یکدیگر احتیاج دارند.

دکتر علیرضا مظلوم رهنی

از دیدگاه حقوقی، کشور ما قانون اساسی دارد. قوانین معمولی و عادی دارد که مجلس آنها را تصویب کرده است، این قوانین هیچ وقت اجازه واگذاری سرزمین را نمی‌دهد. نگران بحث وتگذاری سرزمین نباشیم. اینها عمدتاً ناشی از بی اطلاعی و همان عدم شناخت است. یکی از نکات برجسته این قانون این است که اتباع بیگانه مطابق قانون تملک اموال غیرمنقول که در سال ۱۳۱۱-۱۳۱۰ شمسی یعنی بیش از ۸۰ سال قبل تصویب شده، به هیچ وجه امکان تملک اموال غیرمنقول ندارند. همکاری‌های ۲۵ ساله ایران و چین اگر بخواهد به قرارداد برسد چون پای دولت چین در کار هست، قطعاً مطابق اصل ۷۷ قانون اساسی، اصل ۱۲۵ قانون اساسی، اصل ۱۵۳ قانون اساسی باید در مجلس مطرح بشود. نکته بعدی این است که این تخریب، متأسفانه از رسانه‌های آنطرفی ریشه و نشأت می‌گیرد. یکی از محورهای این سند، بحث مبادله با ارزهای بومی و پول ملی کشورهاست و می‌تواند کمک زیادی به بومی سازی اقتصاد ما داشته باشد.

مشرح مباحث



■ جلسه امروز ما همانطور که می‌دانید با موضوع برنامه ۲۵ ساله همکاری‌های تهران - پکن و چشم‌انداز مناسبات ایران و چین در دهه آینده هست. دلیل برگزاری جلسه هم خیلی نیاز به توضیح ندارد، اگر دوستان رصد مختصری داشته باشند از اخبار چند هفته گذشته کشور، می‌دانند که موضوع جلسه امروز ما موضوعی هست که به نظر می‌رسد نیاز به یک نشست تخصصی دارد. توفیق این را داریم که از چین‌شناسان برجسته کشور و اساتید و مسئولین سابق و فعلی دعوت کردیم برای حضور در جلسه و امید داریم که جلسه مفید باشد و دوستان بتوانند انشاءالله استفاده بکنند، سخنران اول ما جناب آقای سید محمدحسین ملائک سفیر اسبق جمهوری اسلامی ایران در چین هستند، سبک جلسه هم این هست که سعی ما این هست که ابتدا به تعدادی از اساتید و عزیزانی که در سالن تشریف دارند حدود یک ربع نکاتشان را ارائه می‌دهند. ما ۶-۷ نفر هم از چین از طریق اسکایپ قرار است خدمتشان باشیم آقای هوا لیمینگ که سفیر اسبق جمهوری خلق چین در ایران بودند و تعدادی از اساتیدی که حالا به ترتیب خدمت این اساتید هم خواهیم بود از طریق اسکایپ. پس جلسه ما ارائه اساتید داخلی هست، ارائه اساتید چینی هست، هر نفر حدود ده دقیقه یک ربع بعد این دور که تمام شد، عزیزان نکاتشان را فرمودند می‌رویم به سمت سوال و جواب و بحث‌هایی که یک مقدار ممکن است جنبه واکاوی بیشتری داشته باشد. برای اینکه فرصت را از دست ندهیم از جناب آقای ملائک درخواست می‌کنیم که اظهاراتشان را شروع بکنند تشکر می‌کنم.



دکتر فواد ایزدی

مدیرعامل مجمع بین المللی
اساتید مسلمانان دانشگاه‌ها
و عضو هیأت علمی دانشگاه تهران

■ بسم الله الرحمن الرحيم؛ منم تشکر می‌کنم از جناب آقای دکتر ایزدی و مجمع اساتید مسلمانان که این دعوت را از من بعمل آوردند. من خوشبختم در حضور دوستان هستم و برخی از برداشتهای خودم را از این موضوع مهم که می‌تواند یک عنصر اساسی و نقطه عطف در روابط خارجی ایران باشد در این جلسه مطرح کنم. خب ما از ۴ تیرماه که دولت اعلام کرد که یک پیش نویسی را به تصویب هیئت دولت رسانده تا الان مواجه بودیم با مقدار زیادی انعکاس متفاوت از این موضوع و برداشتهای متفاوت از این موضوع در جامعه خودمان و همانطوری که آقای دکتر ایزدی هم فرمودند بالاخره این جلسات برای روشن کردن بیشتر عمق روابط ایران و چین هست و باصطلاح آگاهی رساندن بیشتر به جامعه. حتماً روابط ایران و چین یک رابطه ساده دو جانبه نبوده، نیست و نخواهد بود. این در نظام بین‌الملل تعریف شده. جایگاه ایران یک جایگاه ویژه‌ای است در جهان، جایگاه چین هم یک جایگاه ویژه می‌باشد، هر دو کشور که بخواهند بهم نزدیک بشوند در واقع فرایند جدیدی را بوجود می‌آورد که این فرایند می‌تواند نقاط مثبت برای یک عده و نقاط منفی برای یک عده داشته باشد و لذا این واکنش‌ها هم بسیار طبیعی است که داشته باشیم. بنابراین جایگاه دو کشور ایران و چین جایگاه متفاوتی است نزدیک شدن این دو کشور بهم اثرات بسیار بااهمیتی در نظام سیاسی جهان و منطقه خود ما دارد و لاجرم مخالفینی دارد و این مخالفین می‌تواند خود آقای پامپئو وزیر خارجه آمریکا باشد که این روابط دو کشور را تشبیه کند



آقای سید محمد حسین ملائک

سفیر اسبق
جمهوری اسلامی ایران در چین

به ترکمنچای، برای اینکه بتواند جو بسازد در داخل کشور ما. اما من برای اینکه صحبت مختصر باشد یک تقسیم بندی داشتم. در بخش اول صحبتم ارزیابی است از واکنش‌هایی که نسبت به این قضیه در جامعه خود ما شده، یک بخش عمده‌اش شاید بیش از ۷۰-۸۰ درصد این واکنش‌ها منطبق هست بر یک شایعه سازی که petroleum economist در واقع یک سال و نیم قبل انجام داد و براساس آن خانم شیرین هانتر یک مقاله باصطلاح عاطفی نوشت که ایران از دست رفت و دارد باصطلاح ایران واگذار می‌شود به کشورهای خارجی و این‌ها و دیگر بقیه بر اساس این دو تا اطلاعات غلطی که در جامعه پخش شد این جوی در داخل کشور ساخته شد این بحثی که در مورد نیروی نظامی حمایت کننده از سرمایه‌گذاری چین در ایران یا مثلا امتیازهای بسیار ویژه برای چینی‌ها، اینها همه نکاتی بود که در آن دو مقاله بود و به نظر من که قطعا این دو جزو عوامل و عناصر جوسازی علیه خود مطلب و تفاهم نامه بوده و لذا لزومی ندارد که خیلی به آن بپردازیم. هیچ وقت در صحنه سیاسی ایران یا حتی مقامات سطح دو و سه ایران هم به این فکرها نیافتند که بعد از انقلاب کوچکترین امتیازی به کشورهای خارجی در کار داشته باشند. بنابراین به این نمی‌پردازم. اما دومین بخشی که وجود داشت یه بخش نیروهای مخالف سیاسی دولت هستند که اینها نظری دادند که بیشتر جنبه انتقادآمیز دارد به مفهوم اینکه اگر ما خودمان باشیم این را انجام بدهیم بهتر است تا اینکه شما انجام بدهید. لذا این را هم من به آن نمی‌پردازم احساس می‌کنم یک رقابت خیلی کم عمق و کم ارزشی است در داخل کشور و سومین واکنش، واکنش جدی است که به نظر من جزو چیزهایی است که حتما در این پروژه باید به آن توجه شود. آن واکنشی است که آقای فرشاد مؤمنی انجام دادند، آقای دکتر فرشاد مومنی قابل احترام برای بنده و خیلی‌ها هستند ایشان یک نکته‌ای را مطرح می‌کنند و معتقد هستند که این تفاهم‌نامه به نفع ایران نخواهد بود یعنی جزء منتقدین این تفاهم‌نامه هستند معتقدند این تفاهم‌نامه به نفع ایران نخواهد بود و استدلالشان این هست که تا نظام اقتصادی سیاسی ایران درست نشود هر گونه همراهی هماهنگی و توسعه روابط با کشورهای خارجی فقط مشکل مردم را اضافه می‌کند. چیزی در باصطلاح این ظرف توسعه کشور بوجود نمی‌آید. استدلالشان ناصحیح نیست استدلالشان منطقی است ملموس هست. اگر ما همین الان یک میلیارد دلار به شرکت‌های نفتی خودمان اینجا تزریق کنیم همانطور که مثل اینکه در خودرو سازی تزریق می‌کنیم این یک میلیارد دلار بعد از ریختن و پاش‌ها و آن فسادهای داخلی یک چیزی حدود ۲۰۰-۳۰۰ میلیون دلار، مؤثر در جامعه تأثیر می‌گذارد حالا اگر یک میلیارد دلار را شما قرض گرفته باشید بنابراین ۷۰۰ میلیون دلار در گرده ملت باقی می‌گذارید بدون اینکه راندمان زیاد داشته باشد. این حرف آقای دکتر مومنی است که به نظر من نکته صحیحی است و نقطه ضعفی است که ما در این تفاهم‌نامه و همه تفاهم‌نامه‌هایی که ما با کشورهای خارجی داریم به وضوح به چشم می‌خورد و آن این است که ما یک الگوی توسعه روابط منظم و دقیق و اینکه باصطلاح سازمان یافته باشد در کشور نداریم ما شش تا برنامه توسعه در ایران تعریف کردیم راندمان بهترینش ۵۲ درصد است بدترینش ۳۵ درصد است



یعنی اینکه ما در برنامه‌های توسعه اصلا موفق نیستیم برنامه ریزی نمی‌توانیم بکنیم. لذا انتقاد ایشان برمی‌گردد به یک انتقاد ساختاری خیلی عمیق که قطعا مورد توجه است. اما ما در نقطه دیگری به این قضیه می‌رسیم که احتیاج داریم در روابط خودمان با چین به نقطه دید جدیدتری برسیم و آن دیدی است که من می‌خواهم اینجا مطرح کنم. از نظر من نظام بین الملل بعد از تحولات نزدیک به سه سالی که آمریکا و چین دارند با همدیگر هم‌اوردی می‌کنند نظام بین الملل در یک نقطه جدیدی قرار گرفته. یعنی اصلا شما نمی‌توانید تعریف کنید که روابط آمریکا و چین به عنوان عناصر اصلی نظام بین الملل همانی است که در چهار سال پیش بود. یعنی این روابط از یک اعتماد کمتر از یک سختی بیشتر، از یک نارسایی فراتر برخوردار شده و نظام بین الملل اجازه می‌دهد که کشورهایی مثل ما یک نگاه دقیق‌تری به موضوع داشته باشند. و آن اینکه چگونه می‌توانند شرایط خودشان را در وضعیت نوین بهبود ببخشند. بنابراین از این زاویه باید به روابط ایران و چین توجه کرد. اما یک نکته درمورد موضوع این تفاهم نامه ۲۵ ساله. ببینید فعلا وزارت خارجه هنوز تأیید نکرده این متنی که در فضای مجازی در حال گردش است اصالت دارد یا ندارد؟ ما هم کاری نداریم که آیا الان می‌خواهند تأیید کنند یا نمی‌خواهند تأیید کنند. بلکه برداشتی که از این تفاهم نامه می‌شود کرد این است که این یک توصیفی است از مجموعه روابط دو جانبه. بنده در ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰ مسئولیت روابط ایران و چین را در پکن بعهده داشتم در سال ۱۳۷۹ جناب آقای هاشمی (معاون اجرایی ریاست جمهوری) تشریف آوردند چین. تفاهم نامه‌ای به عنوان تفاهم نامه روابط همکاری‌های اقتصادی دو کشور امضاء شده. اون تفاهم نامه با این چیزی که الان پخش شده خیلی تفاوتی ندارد، یعنی پتانسیل‌های دو کشور برای همکاری اسم آورده شده، لیست شده و براساس آن پتانسیل‌ها ابراز امیدواری شده که بتوانند با همدیگر همکاری کنند. اینجا یک نکته در پرتنظ عرض کنم ببینید تا سال ۲۰۰۰ روابط ایران و چین یک مؤلفه سیاسی قوی داشت به همین دلیل مسئول روابط ایران و چین، معاون نخست وزیر چین بود اما از سال ۲۰۰۰ که چین وارد WTO شد و وارد جرگه جهانی شد، ارزش روابط ایران و چین به یک ارزش تجاری خیلی مختصری کاهش پیدا کرد به همین دلیل چینی‌ها فشار آوردند که همکاری دو کشور در قالب مذاکرات دو وزارت بازرگانی باشد. ایران هم پذیرفت. در سال ۲۰۰۶ در واقع در ۲۰۰۶-۲۰۰۸ ما به موضوع بحران اقتصادی جهانی رسیدیم آمریکا اینجا عقب افتاد، غربی‌ها بسیار عقب افتادند از روند توسعه. چینی‌ها بدون اینکه خیلی مشکل داشته باشند یک گام بزرگی به جلو برداشتند برای اینکه این مقدار نقدینگی که داشتند و برای اینکه بتوانند این را مصرف کنند و وارد کار بشوند ۲۰۱۳ آن طرح مربوط به یک جاده، یک کمربند را مطرح کردند. ۲۰۱۵ ببینید اینها سرعت‌هایش خیلی بالاست. ۲۰۱۵ یک طرحی چینی‌ها دادند بنام چین ۲۰۲۵ که ظرف ده سال چین را از یک کارخانه جهان به قول خودشان تبدیل کنند به یک باصطلاح کشور نوین دیجیتالی و الکترونیکی و دیگر چین کارخانه جهان به مفهومی که می‌خواهیم تولید کنیم با کارگر ارزان به چین توش نباشد. اینجا نکته ای است که ما باید به آن توجه کنیم. یعنی با این طرح ۲۰۱۶ آقای شی‌جینگ‌پینگ به ایران

آمده، قبل از اینکه آقای شیجینگ پینگ به ایران بیاید و اولین ملاقات مسئولین سیاسی کشور با طرف‌های چینی، چینی‌ها عین همین جمله را به طرف ایرانی منتقل می‌کنند می‌گویند: ما یک موقعی کارخانه جهان بودیم الان می‌خواهیم این کارخانه بودن جهان را بدهیم به کشورهایی مثل شما، شما تولید کنید طرف‌های ایرانی این را به عنوان یک اهانت تلقی می‌کنند. در ۲۰۱۶ که آقای شیجینگ پینگ به ایران می‌آید عین همین جمله در آن تفاهم نامه علاقمندی‌هایشان اشاره می‌شود که ما بخشی از امکانات و آنچه کاری که ما چرخاندیم می‌خواهیم به دیگران واگذار کنیم، شما هم بپذیرید، که خوب پذیرفته نمی‌شود. یعنی آن زمان پذیرفته نمی‌شود یا به آن توجه کمتری می‌شود تا اینکه به مرور بعد از اینکه تحریم‌ها شروع می‌شود ما احساس می‌کنیم که اگر ما این پیشنهاد می‌پذیرفتیم می‌توانستیم در چرخه تولید و در زنجیره ارزش جایگاهی داشته باشیم. پس این تبدیل شده به این نکته‌ای که ما الان به آن می‌رسیم تحت عنوان تفاهم‌نامه ۲۵ ساله دو کشور. این تحلیل من است از روند آن چیزی که داشت اتفاق می‌افتاد اینجا نکته بدی که وجود دارد از نظر بنده به عنوان کسی که بالاخره هیچ مسئولیتی ندارم و می‌توانم به صورت آزاد حرف خودم را بزنم، این است که ما بر اساس نیاز به دولت چین وارد مذاکره شدیم. یعنی نیاز به اینکه یک کسی حمایت کند از شرایط متزلزل ما، وارد این مذاکرات شدیم. این در یکی از بندهای آن هم نمود دارد مثلاً در بخش انرژی که در واقع یک تداومی از آن چیزی که ما در سال ۱۳۷۹ داشتیم تا الان می‌گوید: امیدواریم که اولاً چین قبول می‌کند که طرف ثابت وارد کننده نفت خام از ایران باشد که خوب ۲۵ سال گذشته چین نفت خام را از ما وارد می‌کرده بدون اینکه تفاهم نامه ۲۵ ساله با ایران داشته باشد. ۲۵ سال بعد هم چین بر اساس برنامه ریزی‌های دقیقی که می‌کند از ایران نفت وارد خواهد کرد، چه ما با این تفاهم نامه وارد بشویم یا نشویم. چون آنها یک سبدی را برای تأمین انرژی خودشان و امنیت انرژی‌شان تعریف کردند برای ایران هم یک چیزی حدود تا یک میلیون بشکه ۷۰۰ - ۸۰۰ هزار بشکه در روز تعریف کردند به همین دلیل شما می‌دانید در تحریم‌ها هم اینها از این خیلی پایین نیامدند. لذا این نکته نکته‌ای که در آن می‌گوید که امیدواریم که طرف چینی در ارتباط با پول ناشی از مربوط به خرید نفت از ایران تسهیلات بیشتری را به طرف ایرانی واگذار کند که این نمودار این است که در ذهن تحریمی تفاهم نوشته شده. در حالی که ما اگر از زاویه نظام بین الملل و تعهدات نظام بین الملل وارد بشویم، چین الان در شرایطی است که دنبال ائتلاف سازی دارد می‌گردد بنابراین چین یک نیاز جدی سیاسی ژئوپولیتیک به ایران خواهد داشت که در کنار پاکستان قرار بگیرد. این نیست که تفاهم نامه ما بر اساس نیاز ما که ناشی از تحریم باشد. البته یک بعد داخلی دارد که من این را حالا اگر وقت باشد آنرا توضیح بدهم بهرحال اگر به این نکته اشاره بشود به نظرم شرایط متوازن‌تری با چین خواهیم داشت و این تفاهم نامه همانطور که گفتم به دلیل اینکه کمک می‌کند روابط ما با یک کشور بزرگ جهان در یک چهارچوب منظم قرار داشته باشد این یک نقطه عطف در سیاست خارجی ایران است. من نکته ۲۵ ساله‌اش را اگر بخواهم اجازه بدهید توضیح بدهم این است که اگر چین وارد فرایند سرمایه گذاری در



ایران بشود سرمایه‌گذاری سال به سال مورد بررسی قرار نمی‌گیرد. اگر یک کسی یک کارخانه‌ای در ایران زد بالاخره باید ۲۰ سال ۲۵ سال مطمئن باشد که بتواند تولیدات این کارخانه به طور ثابتی بتواند کار بکند لذا به نظر من این نقطه ۲۵ ساله که یک خبرنگاری از من پرسید و من واقعا فکر کردم که چه جوابی به او بدهم بعد از تحقیقی که کردم به این نتیجه رسیدم این است که اگر ما وارد فرایند سرمایه‌گذاری بشویم باید تفاهم نامه‌های بلند مدت با شرکت‌ها و کشورها داشته باشیم که بتوانیم به تعهدات خودمان پاسخ بدهیم و امتیازش را داشته باشیم. اما نهایتاً من جمله آخرم را عرض می‌کنم که همانطور که عرض کردم چین روابط ایران با چین مخالفین دارد مخالفینش هم خیلی واضح خودشان آمدند وسط یعنی الان هم آمریکا موضع‌گیری کرد هم اسرائیل موضع‌گیری کرد. یکی از نتانیاهو پرسیده بود که حالا که چینی‌ها با ایران می‌خواهند رابطه برقرار کنند تو روابط را با چین می‌خواهی چکار کنی؟ یعنی اینچنین ابعدای پیدا کرده. عربهایی که رابطه بیشتری با چین دارند الان عربستان، امارات، عمان، عمان اولین صادر کننده نفت به چین است اینها همه روابط بهتر از ما با چین دارند بلحاظ عددی، اما به لحاظ کیفی وضعیت ایران، وضعیت متفاوتی است که مورد توجه همه اینها قرار گرفته. بنابراین مخالفین این قضیه با کلیه ابزارها آمدند برای اینکه این تفاهم نامه را به نظر من لوس و خرابش کنند. انتقادی که به سیستم اجرایی کشور وارد است این است که در هیچ جای دنیا این نیست که یک پیش نویسی که قرار است مذاکره بشود این پیش نویس مورد تأیید و تصویب هیئت دولت بگیرد. در دو هفته اول مواجه بودید که عوامل دولتی به ترس استراتژیک داشتند از اینکه همچین چیزی را تأیید کنند. در حالی که بعداً به مقداری به اعصابشان مسلط شدند به مقداری اعتماد به نفس بیشتری پیدا کردند و آمدند و از این تفاهم نامه حمایت شده و به نظر من تفاهم نامه‌ای است که چون کمک می‌کند به ثبات سیاسی در روابط بین الملل دو کشور اهمیت جدی دارد صرف نظر از ماهیت سیاسی دو کشور یعنی ماهیت سیاسی ایران و ماهیت سیاسی چین. این کمک می‌کند به این که یک ثبات سیاسی بین المللی بوجود بیاورد و هر دو طرف از این بهره ببرند.

دکتر فؤاد ایزدی: می‌خواهم خواهش کنم از جناب آقای خوشرو نماینده سابق جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل با توجه به سابقه کاری جناب آقای خوشرو در سازمان ملل و دغدغه‌ای که آمریکا نسبت به این توافق دارد و مقامات آمریکایی هم در هفته‌های گذشته در این بحث حرف‌های زیادی زدند و شایعات زیادی را مطرح کردند. از جناب آقای خوشرو دعوت کردیم که بحث رابطه چین و آمریکا و نقش ایران در رابطه چین و آمریکا را به مقداری پوشش بدهند. رابطه چین و آمریکا در هفته‌های گذشته دچار چالش‌های متعددی شده، وزارت خارجه آمریکا اعلام کرده که اعضای حزب کمونیست را نمی‌خواهد داخل آمریکا راه بدهد. آمریکا اعلام کرده که توافق تجاری با هنگ کنگ را می‌خواهد متوقف کند. از آن طرف چینی‌ها اعتراض دارند نسبت به دخالت آمریکا در امور داخلی خودشان از این جهت، این بعد رابطه آمریکا و چین هم می‌تواند مفید باشد برای بحثی که داریم تشکر می‌کنیم از جناب آقای خوشرو در خدمتتان هستیم.



دکتر غلام‌نعلی خوش‌شرو

نماینده سابق جمهوری اسلامی ایران
 در سازمان ملل

■ بسم الله الرحمن الرحيم؛ خیلی خوشبخت هستم در حضورتان هستم و متشکرم از دعوتتان. مسئله چین و آمریکا یک مسئله ریشه‌داری است که با این وضعیتی که کرونا ایجاد کرد تشدید شد ولی اصلاً ربطی به این کرونا هم ندارد و البته ویروس کرونا یک ضربه بزرگی به رهبری جهانی آمریکا زد و نشان داد که آمریکا بیش از آنکه به نظر می‌رسید در مسائل اجتماعی و بهداشتی و اساساً فرهنگی ضعیف و ضربه پذیر است بخاطر اینکه بدترین عملکرد را در ویروس داشت. اول که در حال تکذیب و انکار بودند. آقای ترامپ بعد دچار سرگیجه شد. حالا هم همه را متهم می‌کنند، یک روز چین را متهم می‌کنند، یک روز یک کشور دیگر را. بنابراین رفتارشان رفتار کاملاً نسنجیده و از روی سستی و ناتوانی بود. اما یک نکته‌ای اینجا هست که ما اگر بخواهیم به سیاست خارجی آمریکا نگاه بکنیم باید بگوییم سیاست خارجه آمریکا مبتنی است بر ایجاد شکاف، ایجاد تفرقه، یعنی موتور محرکه سیاست خارجه آمریکا ایجاد شکاف است. در این دولتی که الان سر کار هست ما می‌بینیم که هر جایی یک تفاهم همکاری بوده این تفاهم همکاری را ابتدا تلاش کرده بهم بزند و اگر موفق نشده خود از آن بیرون آمده و فشار را از بیرون به آن تحمیل کرده، این مثال‌هایش یکی دو تا نیست. همه جایی که بحث بین المللی بوده یا تفاهمی بوده خب ما در مورد خودمان بحث برجام را داشتیم و می‌دانیم که برجام یکی از مبانی‌اش این بود که روابط عادی سیاسی، روابط عادی اقتصادی، تجاری برقرار بشود بین ایران با جهان و تشویق می‌کرد به سرمایه‌گذاری به تجارت. کلاً با این مخالفت کرد و حالا هم سیاست فشار حداکثری را پیشه کرده است. حالا من به این برمی‌گردم می‌خواهم الان راجع به چین صحبت کنم. تنش بین چین و آمریکا حتی محدود به تجارت هم نیست. می‌دانید که همانقدر که ما از چین اطلاعات کمی داریم مردم آمریکا هم اطلاعات زیادی از چین ندارند البته اطلاعاتشان از ما خیلی بیشتر است ولی اطلاعات مردم آمریکا خیلی زیاد نیست. من اینجا دو سه تا آمار را عرض می‌کنم. آمریکا در ۴۰ سال پیش یعنی ۱۹۸۰، تولید ناخالص داخلی اش دو تریلیون و هشتصد، نزدیک سه تریلیون بوده؛ الان ۲۲ تریلیون است یعنی تقریباً ۸ برابر شده، حال اینکه چین در ۱۹۸۰، ۳۰۵ میلیارد بوده تولید ناخالص داخلی‌اش، الان ۱۵/۵ تریلیون یعنی ۲۰۲۰، ۱۵/۵ تریلیون می‌شود. برآورد بانک جهانی یعنی ۵۱ برابر می‌شود و اگر ما این روند را نگاه کنیم همینطور درآمد سرانه هم در آمریکا از ۴۰ سال پیش تا حالا ۵ برابر شده، در چین ۳۶ برابر شده. اگر ما این را ملاک بگیریم حتی اگر بیایم رو ۲۰ سال گذشته یعنی ۲۰۰۰ یک منحنی پیشرفت چین است که ۱۵ برابر پیشرفت کرده از ۲۰۰۰ تا الان. این یعنی چی؟ یعنی اینکه اقتصاد، صنعت، تجارت. چهل سال پیش نزدیک ۹۰ درصد جامعه‌اش زیر خط فقر بودند یعنی در روز ۲ دلار کمتر درآمد داشتند، الان یک درصد هم نیست. این مسئله همین طور در طول این ۴۰ سال حتی در طول همین ۲۰ سال را بگوییم که راحت‌تر بشود. بیست سال قبل، چین ده میلیون توریست در دنیا داشت که می‌رفتند می‌آمدند، الان ۱۵۰ میلیون توریست از چین می‌روند گردش می‌کنند و پولی که خرج می‌کنند تقریباً دو برابر پولی است که آمریکایی‌ها خرج می‌کنند. پس می‌بینید که تحولات خیلی خیلی بزرگی اتفاق افتاده و دیگر جامعه چین



یک جامعه بسته کشاورزی منزوی نیست. چین همین طور که گفتم یک دوره‌ای شد کارخانه جهان. چهل سال پیش از هر ۵ نفر که در اقتصاد کار می‌کردند ۴ نفرشان در بخش کشاورزی بودند. ولی الان چین در پیشرفت‌های صنعتی و حوزه‌های دانش بنیان تحولی که کرده اصلاً برای آمریکا غیرقابل فهم و غیر قابل قبول است. اینکه چین بتواند فاندیشن سایبری جهان را یک جوری مدیریت کند و این اصلاً به هیچ وجه برای آمریکا پذیرفته نیست. بخاطر همین فشارهایی که رو هواوی هست رو بقیه صنایع هست و تحریم‌هایی که دارند می‌گذارند ریشه در همین نگاه آمریکا دارد. بنابراین ما باید این را توجه داشته باشیم که یک نوع جنگ سردی خواسته یا ناخواسته بین چین و آمریکا در جریان است چینی‌ها به نظر من دوست داشتند ۵ سال دیگر آرام کار بکنند یعنی در اینجا دوست داشتند ۵ سال دیگر ادامه بدهند بیايند بالا برسند به یک نقطه‌ای که اقتصاد اول جهان بشوند. الان چین اقتصاد دوم است ولی ۵ سال دیگر با همین سرعت پیشرفت، اقتصاد اول جهانی می‌شود. حجم اقتصادش اقتصاد اول جهان می‌شود و در تکنولوژی سنتی و مدرن جایگاهی پیدا می‌کرد که آمریکا دیگر هیچ توانی نداشت که بخواهد با او مقابله کند. چینی‌ها سرشان را زیر می‌اندازند با آرامی کارشان را می‌کنند. سیاست را تو این ۴۰ سال پیش به قول معروف یکجوری به سایه بردند به حاشیه بردند و اقتصاد را محور قرار دادند و شروع کردند با کشورها کار کردن. الان هم رقابتشان با آمریکا، رقابت ایدئولوژیک نیست، رقابت ژئواکونومی، رقابت اقتصادی، رقابت فنی است و منافع خودشان را هم در نظر دارند. اما در راستای منافع چین یعنی منفعت خودش را در نظر گرفته، ما هم منفعت خودمان را در نظر داریم. ولی جایگاه ما جوری است که به ما اجازه می‌دهد با چین یک روابط استراتژیکی داشته باشیم چه بخواهیم چه نخواهیم. آقای دکتر ملاتک خوب اشاره کردند من حتی می‌گویم اگر زمان شاه هم بود الان ایران و چین باید یک روابط ثابتی می‌داشتند بخاطر اینکه چین اول مصرف کننده انرژی در جهان است. و ایران دارای انرژی نفت و گاز است. پس الان که آمریکا دیگر خریدار انرژی نفت ما یا خاورمیانه نیست خودش دارد صادر می‌کند. رقیب ایران است. بنابراین چین با ما یک تعاملاتی میکند. ما یک سری تکنولوژی می‌خواهیم سرمایه‌گذاری می‌خواهیم پیشرفت می‌خواهیم که چین هم انرژی می‌خواهد در درجه اول که ما داریم. البته اشاره کردند به پروژه کمر بند جاده، پروژه کمر بند جاده یک پروژه بسیار بلند پروازانه‌ای است که در آن از طریق بنادر و از طریق زمین چین یک رابطه مستقیمی با اروپا و آفریقا پیدا می‌کند، آسیا که ارتباط دارد. و خیلی سریع و پرشتاب می‌تواند بر تمام این مسیرهای استراتژیک دست داشته باشد پس چین دنبال این منافع است از طرف دیگر ایران هم یک موقعیت خاص استراتژیک دارد. جنوبش که خلیج فارس است شمالش دریای خزر است و این همسایگان متفاوتی که دارد با فرهنگ‌ها و ارزش‌هاست. موقعیتی که ایران دارد، موقعیت نیروی انسانی، موقعیت ارزش استراتژیکش همه اینها به ما کمک می‌کند که ما با چین یک رابطه استراتژیک راهبردی داشته باشیم. متأسفانه ما ایرانی‌ها فکر می‌کنیم که هر پیشرفت و تمدنی هست در غرب است. مثلاً ما فکر می‌کنیم انگلیس، همان انگلیس ۱۰۰ سال پیش است انگلیس



صد سال پیش این موقع، در امپراطوریش آفتاب غروب نمی‌کرد. الان انگلیس خودش سالی ۶۳ میلیارد از چین واردات دارد. اگر شرکت های انگلیسی را از چین اخراج کنند، خود اقتصاد انگلیس هم با شکست مواجه می‌شود. چین اولین صادراتش به اتحادیه اروپاست. کل کشورهای اروپایی نزدیک ۶۶۰ میلیارد واردات دارند از چین، بعدش آمریکا است. بعدش آ. سه. آن است بعد ژاپن است. اگر بخواهیم حساب کنیم. ما بخاطر تحریم‌ها حدود ۱۰ میلیارد بوده تا آنجا که من دیدم آمار. آلمان که پیشرفته‌ترین کشور صنعتی اروپاست. آلمان ۸۳ میلیارد در سال واردات دارد از چین. هزاران شرکت آلمانی در چین کار می‌کنند، سرمایه‌گذاری می‌کنند کار فنی می‌کنند بنابراین وضعیت چین نیاز به این دارد که ما واقعا باید چین را بشناسیم اما آمریکا چه نگاهی می‌کند به این مسئله. آمریکا همین‌طور که گفتیم، موتور محرکه نفاق و تفرقه است همینقدر که اسم cooperation میاد بین ایران و چین، این خانم نیکی هیلی، همتای سابق بنده نوشته که این تفاهم ایران را از انزوای بین‌المللی خارج خواهد کرد و نفوذ چین را در اقتصاد و در راه‌ها افزایش خواهد داد و چین موقعیت بی‌نظیری بدست می‌آورد. خب از یک طرف آمریکا پایش را گذاشته به گردن ایران فشار می‌آورد. همان افسر خونسرد آدم کشی که آن سیاه پوست را آنطوری کشت ۸ دقیقه پایش روی گردنش بود، امریکا عین همان فشار را به ایران می‌آورد که ایران از پا دربیاید. از یک طرف تا اسم همکاری می‌شوند اعصابش بهم می‌ریزد که ایران دارد از انزوا خارج می‌شود. طبیعتا ایران از انزوا خارج می‌شود طبیعتا ایران آن زانوی منحوس را به کنار می‌زند و می‌ایستد رو پای خودش. ایران که چند هزار سال اینجا ایستاده است. بنابراین ما باید بدانیم که این تفاهم ۲۵ ساله فعلا یک نقشه راهی بیشتر نیست چیزی نیست که الان تبدیل شده باشد به پروژه‌ای. من امیدوارم که تبدیل به پروژه‌هایی بشود که در آن منافع ایران، منافع طرفین دیده بشود و طبیعتا اینهایی که انتقاد می‌کنند. مثلا یکی می‌گوید چون ما در بقیه چیزها ناتوان بودیم این کار هم درست نیست. این چه استدلالی است. ما مثلا چون نمیتوانیم تنیس خوب بازی نمی‌کنیم مثلا فوتبال هم نمی‌توانیم خوب بازی کنیم همچنین حرفی درست نیست. آقای ملائک اشاره کردند به بعضی از انتقادات مثلا چون ما یکدست نیستیم پس ما نمی‌توانیم با خارج هماهنگی کنیم. خب اگر با فرانسه و کانادا و کجا و کجا همکاری کنیم چه؟؟؟ من که می‌گویم ما باید برنامه ۲۵ ساله با همه داشته باشیم. با چین، آلمان هم داشته باشیم با فرانسه و با اسپانیا و با برزیل هم داشته باشیم ما باید نگاهمان به دنیا نگاه برنامه ریزی شده بلند مدت باشد و در آن صورت هست که ما می‌توانیم مرفه بشویم. در این برنامه ۲۵ ساله هم همینطور که می‌دانید بسته به اینکه ما چقدر آمادگی داشته باشیم که واقعا کار بکنیم می‌توانیم در خیلی از پروژه‌ها که تعریف می‌کنیم منافع کشور را ببینیم. ما هیچ وقت با کنار زدن دیگران به جایی نمی‌رسیم ما با همکاری هست که می‌توانیم وضع خودمان را بهبود ببخشیم. چین خیلی در زمینه فقرزدایی موفق بوده خیلی درسهایی ما می‌توانیم از چین در همین زمینه هم بگیریم و انشاءالله که موفق باشیم. متشکریم.



دکتر ابوالفضل علیاری

 مدرس دانشکده روابط بین الملل
 وزارت امور خارجه

■ اول تشکر بکنم از عنوانی که انتخاب کردید برای این سمینار که در واقع خودش پاسخی هست به سوالاتی که مطرح شده. در واقع اگر چشم انداز همکاری دو دهه را در نظر بگیریم که بین چین و ایران باشد قاعداً یک برنامه جامع بلند مدت در این زمینه ضروری است و قاعدتاً تدوین این سند یک پاسخی است به همین ملزوماتی که در دو دهه آینده در تحولات بین شرق و غرب آسیا وجود خواهد داشت، به نوعی اجتناب ناپذیر می‌کند این موضوع را و نکته دیگر این هست که در سند راهبردی که سال ۹۴ در سفر رئیس جمهور چین جناب آقای شی جینگ پینگ به ایران در بند ششمش موضوع تدوین برنامه ۲۵ ساله بین دو کشور اعلام شد و روابط دو کشور رسماً روابط مشارکت راهبردی جامع اعلام شد است. این برآمده از واقعیت‌هایی است که در عرصه نظام بین الملل و تحولات آتی بین الملل در واقع دارد اتفاق می‌افتد. بی‌شک قرن ۲۱، قرن آسیاست. تحقیقات و پژوهش‌هایی که وجود دارد بیانگر این هست که در سالهای آتی بیش از ۸۰ درصد از تبادلات تجاری دنیا بین شرق و غرب آسیا اتفاق می‌افتد و این دو تا مکمل یکدیگر هستند. نکته‌ای که دوستان هم اشاره کردند مبتنی بر اینکه غرب و دنیای غرب بویژه آمریکا از نظر اقتصادی سیاسی در حال افول هستند. سهم آمریکا از تولید ناخالص جهانی از ۵۰ درصد در سال ۱۹۵۰ به ۲۵ درصد در سال ۱۹۹۱ و در حال حاضر به یک هفتم جهان کاهش پیدا کرده. در سال ۲۰۱۹ صادرات چین دو تریلیون و چهارصد و نود و نه میلیون دلار بوده در حالی که میزان صادرات آمریکا یک تریلیون و ششصد و چهل و پنج. بلحاظ اقتصادی چین جایگاهی پیدا کرده که قابل انکار نیست. طبیعتاً کشورهایی مثل ما با برآمدن یک قدرتی در سطح جهانی اگر پلن مشخصی را داشته باشیم قاعداً می‌توانیم سود و منافع بیشتری ببریم. یعنی راه‌های تعامل خودمان را مشخص و تعیین بکنیم و کلیاتش را تعریف بکنیم. بنابراین براساس همان بند هم، برنامه ۲۵ ساله قاعدتاً باید مورد توجه قرار بگیرد و بتوانند دو طرف در این زمینه همکاری بکنند. ایران کشور مستقلی است. قاعدتاً الان همانجور که دوستان اشاره کردند هیئت‌های مختلفی از آمریکا به اروپا سفر کردند که همین دوشنبه قبلی هیئت دیگری به ریاست مشاور امنیت ملی آمریکا به اروپا رفتند که از تجارت و کار با چین منع بکنند. قاعدتاً ایران یک کشور مستقلی است فاصله‌ای که ما تقریباً ۱۶ ژانویه ۲۰۱۶ بود فکر می‌کنم که برجام را پذیرفتیم و ۲۱ ژانویه یعنی با فاصله ۴ روز، سند مشارکت جامع راهبردی منتشر شد بین دو کشور. این بیانگر این هست که تقریباً ایران از نظر سیاسی، اقتصادی منافع خودش را در نظر می‌گیرد و براساس آن هم عمل می‌کند. ضمن اینکه پیشینه تاریخی هم به ما می‌گوید که بین ایران و چین هیچ وقت چالشی نبوده. دو کشور کاملاً دوست هم‌دیگر بودند و ایده کمر بند راه که در واقع جاده ابریشم را تداعی می‌کند، در واقع راهی بوده که دستاوردهای دو تمدن ایران و چین را به دنیای غرب می‌برده. بر همین اساس تدوین یک استراتژی مشخص در برنامه ۲۵ ساله در واقع مبتنی می‌شود به واقعیت‌ها و قاعدتا. باید کلیات روابط را در نظر بگیرد و پیشینه خوب روابط سیاسی دو کشور این واقعیت را ایجاد می‌کند که به این موضوع توجه بشود. ضمن اینکه من می‌خواهم اشاره بکنم در همان اوائل انقلاب هم که سال

۱۹۷۹ یا ۱۳۵۷ که انقلاب ایران اتفاق افتاد در فاصله دو سال میزان روابط تجاری ایران و چین دو برابر شد و در حال حاضر چین یکی از قدرت‌های بزرگ اقتصادی است که شاید شریک اول تجاری بیش از ۱۳۰ کشور جهان هست بنابراین تدوین یک رابطه بلند مدت کاملاً مبتنی بر منافع ملی است. بر این اساس من فکر می‌کنم که در دهه‌های آتی و سالهای آتی تبادلات تجاری بین شرق و غرب آسیا اهمیت بسیار زیادی خواهد داشت. ایده کمربند راه که سرعت تبادلات را در قلمرو خاکی افزایش می‌دهد قاعدتاً مورد توجه ما هست و می‌تواند منافی را متوجه ما بکند.



دکتر موژمینک

سفير اسبق جمهوری خلق چین
در ایران

■ با عرض سلام. اجازه می‌فرمایید من بیانات خود را به فارسی بگویم، با عرض سلام حضور دوستان عالیقدر ایرانی و با سپاس از تشکیل دهنده این جلسه. قبل از اینکه من بیانات خود را شروع کنم خود را کمی معرفی کنم. من یک دیپلمات بازنشسته هستم در وزارت امور خارجه چین، من دوبار در ایران کار کردم و جمعا ۱۰ سال در تهران بودم. دوست صمیمی ملت شما هستم. من شاهد انقلاب اسلامی شما بودم و شاهد تمام تحولات رابطه چین و ایران بودم. کمی تاریخ مناسبات چین و ایران را مرور کنم. بعد از ایجاد جمهوری خلق چین، در رژیم شاه، مردم ایران، چین را نمی‌شناختند به عنوان کشور. سال ۷۱ وقتی که دکتر کیسینجر آمد به چین، رابطه چین و آمریکا بهبود یافت. رژیم شاه فرستاده و نماینده خود را فرستاد به چین و مناسبات ایجاد شد و ۸ سال مناسبات چین و ایران در زمان شاه بود. من از سال ۱۹۷۷ تا ۸۳ در تهران بودم. درست زمانی که انقلاب شروع شد من شاهد تمام جریان انقلاب بودم. در مناسبات چین و ایران هم تحولات زیادی ایجاد شده بود. باید گفت زمان شاه، مناسبات چین و ایران بد نبود. در زمان مناسبات چین و آمریکا به علت بهبودی رابطه چین و آمریکا، شاه به چین نزدیک شد. نزدیکی چین و ایران در زمان شاه، باعث شد کمی سوء تفاهم بین انقلابیون ایران ایجاد شود. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ۱۹۷۹، مناسبات دو جانبه چین و ایران سخت شد. اما بزودی این سوء تفاهم رفع شد بعد از سفر دکتر ولایتی وزیر امور خارجه آن زمان و سفر وزیر خارجه آن زمان چین به تهران. من فکر می‌کنم چین و ایران دو کشور استقلال طلب هستند و چون هر دو کشور می‌خواهند مستقل باشند و مستقلاً تصمیم بگیرند و براساس همین بنیاد مشترک، رابطه چین و ایران بعد از انقلاب اسلامی بسیار خوب بوده مخصوصاً از لحاظ سیاسی خیلی خوب بوده. از سال ۱۹۹۱ وقتی من سفیر شدم در تهران تا سال ۱۹۹۵ که از تهران رفتم در ظرف این ۵ سال، مناسبات بازرگانی دو کشور خیلی ناچیز بود. برای اینکه ما نفت ایران را وارد نمی‌کردیم و کالا برای مبادله خیلی کم بود. با همه تلاش‌هایی که من داشتم در این زمانی که من در سفارت ایران بودم متأسفانه در پایان مأموریتم در تهران، حجم مبادلات تجاری چین و ایران چیزی بیشتر از ۴۰۰ میلیون دلار نبود. این وضع همینطور ادامه داشت تا ۱۹۹۳ وقتی چین از یک کشور صادر کننده نفت تبدیل شد به یک کشور وارد کننده. اما باز هم یک مشکلی وجود داشت. در همان زمانی که من در سال ۹۳



در تهران بودم ما نتوانستیم نفت ایران را بخریم بعلت اینکه این پالایشگاه‌های چین مناسب برای نفت خام ایران نبودند تا سال ۱۹۹۶ چند تا پالایشگاه بزرگ چین خود را اصلاح کردند و تجهیزات جدیدی اضافه کردند که بتوانند نفت خام ایران را وارد کنند. بعد از این، رشد رابطه تجاری چین و ایران خیلی سریع بالا رفت. اینجا یک موضوع را می‌خواهم اشاره کنم که همیشه در رابطه چین و ایران هیچ مشکلی وجود نداشته و تنها مانعی که در راه مناسبات چین و ایران وجود دارد، امریکا میباشد. همیشه در رابطه چین و آمریکا، روسای جمهوری آمریکا به روسای جمهور چین تذکر می‌دادند که نباید به ایران بسیار نزدیک بشوید. در این جلسه من شنیدم که ذکر کردند که در ۲۰۱۶ یعنی چهار سال پیش، رئیس جمهور چین، شی‌جینگ پینگ به ایران سفر کرد. این بازدید رسمی رئیس جمهور چین بعد از ۱۳ سال بود یعنی ۱۳ سال رؤسای جمهور چین به ایران سفری نداشتند. این اولین سفرشان بود و در این سفر چین و ایران توافق کردند که یک مناسبات استراتژیک ایجاد بشود و توافق کردند که تفاهم نامه همکاری های بلند مدتی ایجاد بشود و اخیرا همه می‌دانند که رابطه چین و امریکا خیلی مناسب نیست و امریکا فشارهای زیادی به چین و ایران وارد کرد. در روزنامه نیویورک تایمز خبری منتشر شد که یک تفاهم نامه ۲۵ ساله بین چین و ایران امضا شده و نیویورک تایمز حتی متن کامل آن را با ۱۸ صفحه منتشر کرد. تفاهم نامه ایران و چین انعکاس بسیار شدیدی در داخل ایران پیدا کرد و نظرات مختلفی در این خصوص مطرح شد. در داخل چین انعکاس زیادی پیدا نکرد چون هنوز رسمی نشده و دولت چین و دولت ایران مشغول بررسی جزئیات تفاهم هستند. چین و ایران باید خیلی هشیار باشند چراکه آمریکا به مدت بیست سال سعی کرده جلوی توسعه و رشد مناسبات چین و ایران را بگیرد و یک سوء تفاهمی ایجاد کند اما بنده فکر می‌کنم که نباید اجازه سوء استفاده به دیگران را بدهیم.

دکتر فؤاد ایزدی: یک سوالی ازتان بپرسم و بعد خدمت دوستان دیگر هستیم. با توجه به سابقه طولانی حضرتعالی در ارتباط با ایران و حضور چندین ساله در ایران به نظرتان چه ارتباطی بین مردم ایران و مردم چین باید برقرار بشود که این تأثیر مثبتی روی روابط دو کشور داشته باشد؟ آیا دیپلماسی عمومی یا دیپلماسی مردمی جایگاهی دارد؟ حضرتعالی هم فارسی را یاد گرفتید هم خوب صحبت می‌کنید هم با فرهنگ ایران آشنا هستید هم با فرهنگ چین آشنا هستید از این جهت بهترین فردی هستید که در این بحث‌های دیپلماسی مردمی و دیپلماسی عمومی شاید بتوانید اظهار نظر بکنید.

■ باید بگویم که این همیشه یکی از ضعف‌های رابطه چین و ایران با وجود مناسبات بسیار قوی سیاسی بوده است. در ظرف ۴۰ سال با صراحت باید بگویم که شناسایی مردم دو کشور خیلی کم هست. ما باید مناسبات نزدیک با هم داشته باشیم. و یکی از مشکلات این است که چینی‌ها اطلاعات راجع به ایران را از رسانه‌های غربی می‌گیرند و سر این اطلاعات مخفی است. بعضی از دوستان ایرانی که می‌بینم اطلاعات راجع به ایران را متأسفانه از رسانه‌های غربی می‌گیرند و چین را نیز از نگاه امریکا و از نگاه اروپا می‌شناسند و این باعث شده که با وجود این ۴۰ سال مناسبات بسیار خوب قوی



سیاسی بین دو دولت، ارتباط و شناسایی ملت‌ها خیلی کم شده. پیشنهاد بسیار قوی من این است که ما باید خیلی سعی کنیم که مناسبات و ارتباطات مردمی دو کشور خیلی بیشتر بشود.



دکتر وو-یینگ ییبک

عضو هیأت علمی دانشگاه پکن

ایشان عضو هیئت علمی دانشگاه پکن هستند. در حوزه مطالعات خاورمیانه کار می‌کند. خیلی ممنون تشکر می‌کنم بخاطر دعوت بیخشید من زبان فارسی را متوجه نمی‌شوم. از نظر چین، ایران کشوری با نفوذ جهانی هست و نقش سازنده‌ای ایفا می‌کند برای ترویج ثبات منطقه نگاه چین به ایران به صورت راهبردی و از منظر بلند مدت هست. این نکته روشن هست. از نگاه چین، ایران و چین می‌توانند مشارکت جامع استراتژیک داشته باشند. ایران می‌تواند شریک مهمی باشد برای طرح یک جاده یک کمربند و ایران یک قدرت منطقه‌ای هست در مقابل هژمونی‌های منطقه‌ای و در عین حال ایران، یکی از اصلی ترین تامین کننده های انرژی در جهان هست و همه این مؤلفه‌ها در نظر چینی‌ها در مورد شناخت‌شان به ایران وجود دارد. براساس این نگاه، چین یک رویکرد بسیار مثبتی را در خصوص ایران اتخاذ کرده برای همکاری‌های دو جانبه در حوزه‌های مختلف. حالا ایران به چین چه نگاهی دارد به نظر من نوعی سوء تفاهم وجود دارد که برخی مدعی‌اند که چون ایران گزینه ای نداشته آمده سراغ چین. این درست نیست. ایران کشور مستقلی است و همیشه قدرت مستقل بوده و این نکته مهم است پس همکاری‌های ایران و چین نمی‌شود گفت که تأثیر بدی بر ایران می‌گذارد و بخاطر محدودیت‌های گزینه‌های ایران نیست. این همکاری‌ها به نفع دو طرف خواهد بود. و در عین حال باید توجه داشته باشیم که ایران و چین دو قدرت مستقل هستند و به همین خاطر چین از برجام حمایت کرد و چین در مقابل هر تلاشی بوده که برای مخالفت با صادرات تسلیحات بوده که در قطعنامه شورای امنیت داشتیم و همه اینها بر اساس منافع مشترک هست. نکته بعدی این است که بر اساس این شناخت استراتژیک، باید یک اعتماد استراتژیک وجود داشته باشد. درسته که نوعی شناخت استراتژیک بین ایران و چین وجود دارد اما هنوز هم باید تلاش‌های بسیار زیادی بشود تا این اعتماد استراتژیک شکل بگیرد. ما باید این نگاهمان تغییر کند به سمت اعتماد و بدون اعتماد نمی‌توانیم به شناخت برسیم و این نکته، نکته کلیدی است. که ما باید این اعتماد را در حوزه‌های مختلف بیشتر و بیشتر کنیم تا به اعتماد استراتژیک برسیم. ما نباید به همدیگر آسیب برسانیم. نکته دوم در مورد مسیر هست و اینکه چگونه همکاری داشته باشیم. اساسا اعتقادم بر این هست که چین و ایران روابط بسیار دوستانه‌ای دارند این نکته روشن است اما ما باید تلاش کنیم روابط دوستانه را بلند مدت کنیم. دوستانه بودن روابط خوبه اما کافی نیست. ما چطور میتوانیم رابطه بلند مدت داشته باشیم. بستر ان از طریق دیپلماسی عمومی هست و از طریق ارتباط ملت با ملت، رهبران با رهبران، تجار با تجار، مسئولان با مسئولان. تمام این مناسبات باید تقویت بشود. روابط دوستانه هست اما به اندازه کافی گرم نیست. سازوکار ما باید از سطح وزارتخانه فراتر



باشد فقط یک وزارتخانه نباید فعال باشد. فقط به حوزه نباید باشد بلکه در حوزه‌های مختلف و در وزارتخانه‌های مختلف. ما باید یک سازوکار دو جانبه داشته باشیم. بدون داشتن این ساز و کار نمی‌توانیم بحث‌های پایدار و متکثری داشته باشیم. بدون این مکانیسم‌ها، روابط فقط در سطح حرف خواهد بود. ما باید بر اقدامات عینی و ملموس هم متمرکز بشویم. باید برنامه‌ها و پروژه‌های عینی و ملموس داشته باشیم. یک نکته کلیدی دیگر هم این هست که ایران باید شرکت‌های بزرگ و متوسط چینی را بپذیرد. می‌دانیم که ایالت متحده برای یک شرکت بزرگ خیلی مشکل ساز بوده است. ما الان می‌توانیم شیفت داشته باشیم به سمت شرکت‌های متوسط و کوچک و این میتواند همکاری‌های ایران و چین را بسیار گسترش بدهد. در حوزه رسانه‌های اجتماعی باید حضور بیشتری داشته باشیم. نکته سوم این هست که ما در حوزه مناسبات دو جانبه بعضی از حوزه‌ها بسیار مهم هستند من فکر می‌کنم که ایالات متحده تلاش می‌کند ایران را نابود کند اما این اتفاق رخ نمی‌دهد. چرا اینکه ایران کشور و ملتی قوی هست و قابلیت‌های بسیار زیادی دارد. باید بر توسعه در بازه زمانی ۱۰ ساله، ۲۰ ساله، ۲۵ ساله تمرکز کنیم. نکته بعدی مسایل هایتک و فناوری‌های بالا هست. فناوری پیشرفته کمک می‌کند به ما برای توسعه ایران. حوزه دوم همکاری‌ها، حوزه همکاری آموزشی هست. خیلی مهم است تعداد دانشجویهای ایرانی در چین و دانشجویان چینی در ایران. مبادلات فرهنگی هم خیلی مهم است. همانطور که می‌دانید الان به اندازه کافی این مبادلات فرهنگی قوی نیست، الان در چین، تعداد کتاب‌هایی که از ایران به زبان چینی ترجمه می‌شود، خیلی زیاد است. فکر می‌کنم که ایرانی‌ها هم باید آثار چینی را از چین به زبان فارسی ترجمه کنند. ما آثار زیادی در حوزه ادبیات چین داریم و این کمک می‌کند به ایرانی‌ها تا شناخت بیشتری در رابطه با چین داشته باشند. کتاب‌های زیادی وجود دارد که از زبان فارسی به چینی ترجمه شده اما تأسف اور است که آثار معاصر چینی به زبان فارسی ترجمه نشده است. نکته سوم بحث فناوری‌های صنعتی هست. نکته چهارم همکاری‌ها، گاز طبیعی یا ال ان جی هست. ایران منابع و ذخایر بسیار زیادی از گاز دارد و با وجود تمام فشارها باید همکاری‌ها در حوزه گازی گسترش پیدا کند. یک نکته دیگری که خیلی مهم است بحث گردشگری هست. باید در حوزه گردشگری تمرکز کنیم چرا که سبب می‌شود ارتباط ملت با ملت افزایش پیدا کند. نکته چهارم، بحث همکاری‌های منطقه‌ای هست و به نظر من این یک نکته کلیدی یا بستر مهمی برای همکاری‌های منطقه‌ای هست. ایران و چین می‌توانند همکاری‌های دو جانبه و سه جانبه و چند جانبه داشته باشند برای اینکه کارهایی را انجام بدهند در کشورهایی مثل لبنان عراق سوریه و حتی افغانستان. مقابله با تروریسم می‌تواند حوزه‌های همکاری بین ایران و چین باشد

دکتر فؤاد ایزدی: بله خیلی ممنون دکتر، صحبت‌هایی که مطرح کردید جامع بود و اینکه خیلی از شما تشکر می‌کنم یک سوالی دارم که می‌خواهم از خدمت شما بپرسم، سوال این هستش که ایرانی‌ها و چینی‌ها نسبت به همدیگر شناخت ندارند. آیا پیشنهادی دارید در خصوص ارتباطات فرهنگی؟ بله همانطور که عرض کردم ما می‌توانیم. دانشگاه

پکن، بهترین دانشگاه چین هست. دانشجویان زیادی از ایران در حوزه‌های مختلف در اینجا تحصیل می‌کنند و فکر می‌کنم وقتی که دانشجویی برای ۴ سال یا ۶ سال در دانشگاه می‌ماند می‌تواند یک شناخت بسیار عمیق داشته باشد و مدرکش را هم بگیرد. بستر دوم social media یا رسانه‌های اجتماعی هست مثل واتساپ و امثال آنها. ما در رسانه‌ها یا پیام‌رسان‌های اجتماعی می‌توانیم گروه داشته باشیم، کانال داشته باشیم تا اینکه بتوانیم یک شناخت فرهنگی شکل بدهیم و حوزه‌های دانشی مختلف را به طرف مقابل انتقال بدهیم ما مثلاً ماکت هایی می‌توانیم از طریق سفارت ایران در چین یا بالعکس داشته باشیم. اینها بستری برای ارتباط بین این دو کشور هستند. تیک تاک یک بستری است که جوانان چینی از آن استفاده می‌کنند. گردشگرانی که می‌خواهند از چین به ایران سفر کنند، دیدگاه‌های خودشان و تجارب خودشان را در اختیار گذاشتند. پس بنابراین ما باید بر رسانه‌های اجتماعی تمرکز کنیم تا ملت‌ها بتوانند بیشتر همدیگر را بشناسند. نکته دیگر که می‌توانیم روی آن کار کنیم خبرنامه‌های آنلاین هست و نکته چهارم خبرهای جعلی و سیاه‌نمایی‌هایی هست که پخش می‌شود. ساخت خبر جعلی خیلی آسان است اما شکست دادن این شایعات خیلی سخته. ما باید ایده‌هایی اصیل و موثقی داشته باشیم از جانب مقامات عالی.



دکتر جیان شیانک

عضو هیأت علمی انستیتو مطالعات
 بین‌الملل شانگهای چین

■ من خیلی تشکر می‌کنم از شما دکتر ایزدی برای اینکه از بنده دعوت کردید که در این وبینار حضور داشته باشم که یک جلسه هست. این برای بنده مایه افتخار هست که در کنار دوستان ایرانی و چینی در این نشست حضور داشته باشم. متأسفانه من فارسی بلد نیستم امیدوارم در آینده فارسی را یاد بگیرم. ارائه بنده بسیار متمرکز خواهد بود بسیار روی نکات خاصی تمرکز می‌کنم همانطور که می‌دانید الان بحث‌های زیادی مطرح هست در مورد مناسبات ایران و چین. در یک دهه اخیر بویژه در دو هفته گذشته زیاد حرف زده شده. فکر می‌کنم ایران و چین دلایل بسیار زیادی دارند برای اینکه مناسبات جامع و مشارکت راهبردی بین خودشان داشته باشند. دو طرف سابقه بسیار زیادی در تمدن آسیا دارند و تجارب زیادی داشتند که غرب هر دو کشور را تحقیر کرده و این تجارب مشترک دو طرف هست. مثلاً هر دو کشور تحریم‌ها را تجربه کرده اند و بحث روانی هم جزو مشارکت‌های ما هست و در عین حال دغدغه‌های مشترکی داریم مثل حاکمیت ملی و استقلال ملی که داریم و اینکه تصمیم درستی از ما در عرصه بین‌المللی ترسیم بشود. در سال‌های اخیر شراکت‌های جامع راهبردی بیشتر و بیشتر شد در حوزه‌های مختلف. چین به صراحت حمایت کرده از حق مشروع ایران که در برجام تصریح شده و مخالف تحریم‌های یک جانبه علیه ایران بوده و ایران هم همواره آماده بوده حمایت کند از چین. چین شریک بزرگ ایران بوده در سال‌های مختلف گذشته و ایران هم یکی از شرکای بزرگ چین در منطقه بوده. با وجود تحریم‌هایی که وجود داشته، مبادلات بین دو کشور در پنج سال گذشته بسیار گسترش پیدا کرده است. در دوره کویید ۱۹، محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه ایران حمایت خودش را از چین ابراز



کرد و ایران یکی از نخستین کشورهایی بود که به چین مواد پزشکی داد و چین هم اقدام متقابل کرد در اواخر فوریه و صادراتی را از اقلام پزشکی به ایران انجام داد. به یک نکته بسیار مهم اشاره کنم که به روابط ایران و چین مربوط هست. ما یک گروهی را آمدم به صورت دو جانبه تشکیل دادیم برای مقابله با کوید ۱۹ و این گروه در واقع تلاش کرده سیصد دانشجوی و استاد را در کنار هم قرار دهد. این گروه اسنادی که مثلا به زبان چینی بوده به زبان فارسی ترجمه کردند و بالعکس تا اینکه تجارب و دانشی که در خصوص کوید ۱۹ بوده منتقل بشود بین دو کشور. و این نشان می‌دهد که ایران و چین مناسبات ملت با ملت‌شان چگونه می‌تواند گسترش پیدا کند و در سالهای اخیر هم تقویت پیدا کرده است. و می‌تواند همکاری‌های دو کشور توسعه پیدا کند. ما در منطقه می‌توانیم این ثبات را تقویت کنیم. چین می‌تواند یک قدرت یا شریک اقتصادی مهمی باشد برای ایران. ایران هم یک شریک بسیار مهمی بوده برای چین، برای اینکه طرح یک جاده یک کمربند پیش برود در منطقه آسیای میانه و شمال آسیا. ما یک پایه و اساس بسیار محکمی برای این همکاری‌ها داریم، یک توان بالقوه‌ای برای این همکاری‌ها داریم و در عین حال ما با یک چالش‌هایی مواجه هستیم. چالش طرف چینی در زمینه مناسبات دو جانبه این هست که بخاطر تحریم‌های آمریکا، چگونه بر این تحریم‌ها فائق بیایم. ایران یک کاری که می‌تواند انجام بدهد این هست که زمینه‌ای فراهم کند شرکت‌های کوچک و متوسط چینی در ایران سرمایه‌گذاری کنند. من دوستان زیادی دارم که می‌بینم که دشواری‌هایی دارند برای سرمایه‌گذاری در ایران. یک چالش‌هایی طرف ایرانی با آن مواجه هست. و به نظر من دو نوع چالش داریم. یک نوعی تلقی‌های نادرست در ایران وجود دارد در مورد چین. این چالش اول هست. چالش‌هایی که در این زمینه وجود دارد متعدد هست. می‌خواهم در مورد یکی از این نگاه‌های نادرست که درباره چین وجود دارد در ایران صحبت کنم. درباره اینکه کیفیت کالاهای چینی مثلا به چه صورت هست. می‌دانید که ایران در سده‌های گذشته رویکردش به چند قدرت بزرگ جهانی بوده. مثلا حضور انگلستان یا روسیه را در کشور خودش تجربه کرده و سیاست خارجی ایران هم متأثر بوده از این دو کشور در دهه‌های گذشته. در عصر جدید یعنی بعد از انقلاب، ایران از منظر اقتصادی تحت تحریم‌های آمریکا بوده و از نظر سیاسی هم از جانب آمریکا به انزوا کشانده شده، از لحاظ نظامی هم تهدید شده و یک نوع ذهنیتی در ایران شکل گرفته که خب ما به سمت چین می‌توانیم برویم یا نه؟ سابقه مناسبات چند صد ساله بین ایران و چین وجود داشته. وقتی که نگاه می‌کنیم الان، می‌بینید که تلاش می‌شود از جانب آمریکا علیه ایران تحریم و انزوا اعمال بشود از سال ۱۹۷۹ تا کنون. فارق از این ذهنیتی که وجود دارد. یک نکته‌ای که باید توجه داشته باشید این هست که چین هرگز در مسائل داخلی کشورهای دیگر مداخله نکرده و یکی از سیاست‌های اصلی در اصول سیاست خارجه چین پرهیز از مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر بوده، اما متأسفانه با وجود اینکه روابط دوستانه‌ای بین ایران و چین وجود داشته در طول سالها، هنوز مناسبات به اندازه‌ای که میبایست گسترش پیدا نکرده و لازم است یک کنشگری فعالی در این

حوزه داشته باشیم. بنده با بسیاری از دوستان ایرانی خودم در مناسبت‌های مختلف و کنفرانس‌های مختلف تعامل داشتم و در مورد تعاملات و همکاری‌های راهبردی با آنها صحبت کردم و یکی از صحبت‌هایی که مطرح می‌شود این است که چین می‌خواهد پایگاه نظامی در ایران داشته باشد. این هرگز صحیح نیست. هرگز چین پایگاه نظامی نداشته در ایران، ما توی جیبوتی هم که پایگاهی داریم پایگاه لجستیک هست نه نظامی. بحث دیگر بحث مناسبات اقتصادی هست. یک نگرانی‌هایی در مورد چین در ایران وجود دارد. در مورد حضور اقتصادی چین در ایران می‌گویند: چین می‌خواهد سلطه پیدا کند در فضای اقتصادی ایران. ببینید سیاست چین یک سیاست برد برد هست. من فکر می‌کنم اینها نگاه‌های نادرستی هست که به عنوان مانعی هست برای همکاری‌های بین ایران و چین. در عین حال یک مشکل دیگری هم در روابط ایران و چین وجود دارد و آن، بحث سیاسی شدن مسائل هست. من فکر می‌کنم این هم نکته مهمی هست به عنوان یک مانع در عرصه توسعه مناسبات چین و ایران. ما می‌دانیم که باید رابطه ایران و چین را توسعه بدهیم به صورتی که به نفع دو طرف باشد، اما متأسفانه مناسبات چین و ایران بخاطر سیاسی شدن مسائل یا فضای سیاسی که وجود داشته یا مسائلی که در داخل کشوری مثل ایران بوده مثلاً جبهه‌گیری‌های سیاسی در ایران بوده تأثیر گذاشته بر روابط چین و ایران و برخی از سیاستمداران هم در داخل ایران سوالاتی در این زمینه مطرح کردند. اما فارغ از این توجه نکردند که این می‌تواند به نفع ایران باشد و چین هم طبیعتاً در همکاری‌هایش با ایران به دنبال منافع خودش هست. یکی از چالش‌ها یا مسائلی که در این زمینه داریم همانطور که عرض کردم تحریم‌هایی هست که امریکا اعمال کرده علیه ایران و تأثیر گذاشته در مناسبات ایران و چین. اما در مجموع اعتقاد راسخ دارم که مناسبات چین و ایران می‌تواند آینده بسیار روشنی داشته باشد در مسیر پیش روی و میدانیم که ما سبقه زیادی داریم در مناسبات تاریخی که داشتیم. در مناسباتی که در آسیا و شرق داشتیم. اما این نگاه‌های نادرست و تلقی‌های نادرست و سیاسی شدن مسائل سبب شده که نوعی نگاه نادرست در مورد چین در ایران شکل بگیرد و همانطور که عرض کردم بحث سیاسی شدن مسائل هم هست. بنده تأکید دارم که دانشمندان و اندیشمندان ایران می‌توانند به حل این مسئله کمک کنند. به شفاف سازی این مسئله و اینکه تلاش‌های بیشتری را مبذول بدارند تا اینکه چهره چین را در ایران بهتر کنند یا شناخت بهتری از چین در ایران شکل بگیرد و سیاست‌های چین را درباره ایران تشریح کنند و بدون بازی‌های سیاسی و بدون ملاحظات سیاسی چهره چین را در ایران بازتعریف کنند. و در این زمینه صاحب‌نظران می‌توانند خیلی نقش آفرینی کنند و فکر میکنم خیلی می‌تواند کمک کند به توسعه مناسبات ایران و چین. خیلی ممنونم.

دکتر فؤاد ایزدی: يك سوال خیلی مختصر، شما در طرح کمر بند جاده صحبت داشتید و گفتید که چین در این حوزه خیلی سرمایه‌گذاری کرده است. می‌شود بفرمایید که ایران چطور می‌تواند در اجرای این پروژه کمک کند و اینکه اطمینان حاصل کند که این پروژه موفق‌تر می‌شود و نقشی که شما برای ایران متصور شدید در پروژه کمر بند جاده چیه؟



■ در خصوص طرح یک جاده کمر بند ما چهار یا پنج حوزه داریم. بحث اول بحث زیرساختار هست. فکر می‌کنم می‌دانید که ایران در غرب آسیا واقع هست و نزدیک به آسیای میانه و در واقع به نوعی در قلب غرب آسیا واقع شده و به قفقاز هم نزدیک هست و فکر می‌کنم این موقعیت جغرافیایی ایران می‌تواند نقش بسیار مهمی داشته باشد در این پروژه. نکته دوم؛ ما از نظر اقتصادی می‌توانیم نقش مکملی برای همدیگر داشته باشیم. مقوم همدیگر باشیم، ما می‌توانیم همکاری‌های زیادی داشته باشیم در حوزه‌های مختلف. ایران در حوزه انرژی بسیار غنی هست و در مورد همکاری‌های مالی هم می‌توانیم همکاری‌هایی داشته باشیم. همکاری‌های مالی بخاطر تحریم‌ها متأثر شد. ایران و چین در تلاش هستند بر این مشکلات فائق بیایند. مشکلاتی که در حوزه مالی مطرح شده و اینکه چگونه می‌توانند تجارت را بهتر کنند و توسعه بدهند؟ بنده معتقد هستم که همکاری‌های ایران و چین می‌تواند از لحاظ فنی به جایی برسد که بر این مشکلات مالی فائق بیایم و این می‌تواند الگویی باشد برای پیشرفت مناسبات و همکاری‌های مالی، اقتصادی در جهان در عرصه بین المللی در آینده و فکر می‌کنم همین پاسخ کافی باشد تا اینجا.

■ اجازه بدهید شروع کنم. از آقای پروفیسور ایزدی خیلی تشکر می‌کنم. فکر می‌کنم سخنرانان چینی در خصوص برنامه بیست ساله همکاری ایران و چین صحبت کردند. من وقتی نگاه می‌کنم به حافظه خودم یادم نمیداد که ما همچنین برنامه‌ای موسوم به برنامه ۲۵ ساله همکاری تهران - پکن داشته باشیم. الان در رسانه‌های ایران خیلی درموردش صحبت می‌شود. باتوجه به مشاهداتی که خودم داشتم واکنشی که در رسانه‌های چینی بوده بسیار آرام‌تر بوده، بی سر و صداتر بوده در مقایسه با بحث‌هایی که در رسانه‌های ایران مطرح هست. از یک سو، این خیلی خوب است که افکار عمومی ایران تلاش می‌کنند بحث کنند و در مورد مناسبات بین ایران و چین صحبت کنند و به شناخت بهتری در مورد چین برسند، اما از یک سوی دیگر این نسبتاً یک پدیده بدی هست که دارند گمانه زنی بسیاری مطرح میکنند یا شایعاتی در خصوص این یادداشت تفاهم مطرح می‌شود. ما باید مقابله کنیم در مقابل این شایعاتی که مطرح هست. گمانه‌زنی‌هایی که مطرح هست. خبرهای جعلی یا فیک نیوزی که مطرح می‌شود در خصوص مناسبات ایران و چین. این هم فقط به مناسبات ایران و چین محدود نمی‌شود. یک نکته‌ای هست که باید بهش توجه داشته باشیم که ما اندیشمندان و استادان باید ان را انجام دهیم. در این خصوص می‌خواهم یک مقاله‌ای بخوانم که Jonathan Fulton نوشته است که پژوهشگر حوزه خاورمیانه هست. این مقاله، ۵ روز پیش در مجله Atlantic Council چاپ شد. اگر این مقاله را بخوانیم می‌تواند اطلاعات بسیار زیادی به ما بدهد در مورد این همکاری‌های ۲۵ ساله ایران و چین. من اینجا می‌خواهم به سه نکته اشاره کنم که در مقاله ایشان آمده. نکته اول اینکه، بحث یادداشت تفاهم همکاری‌های ۲۵ ساله، ابتدا در سال ۲۰۱۶ مطرح شد که آن هم



دکتر چین تیان

 عضو هیأت علمی انستیتو
 روابط بین الملل معاصر چین

نتیجه سفر شی جینگ پین رئیس جمهوری چین به ایران بود. پس این توافق نامه به خاطر اقدامات دولت ترامپ نبوده. این بیانیه مشترک قبل از اینکه ترامپ رئیس جمهور بشود، بین پکن و تهران وجود داشته است. بر اساس این منطق، باید عرض کنم که این توافق نامه ۲۵ ساله، واکنشی به فشار حداکثری ایالات متحده علیه چین و ایران نبوده است. نکته دومی که اشاره کرده در مقاله اش این هست که گمانه زنی های زیادی مطرح می شود و آن هم از جانب منابعی که اسمی از آن برده نمی شود. دولت چین در خصوص این توافق نامه چیز زیادی منتشر نکرده، دولت ایران هم چیزی زیاد ی منتشر نکرده است. و نکته سوم که اشاره کرده این هست که بر اساس پیش نویس متن توافق ۲۵ ساله ایران و چین، ایشان گفته که ممکن است یک همکاری های نظامی امنیتی بین چین و ایران وجود داشته باشد. اما وقتی که به محتوای این یادداشت تفاهم نگاه بکنیم می بینیم که هیچ تهدیدی علیه منافع هیچ کسی نیست.. حتی منافع ایالات متحده هم تهدید نشده. پس چنین نکاتی به صورت منفی در توافق نامه نیامده که مثلاً روی منافع کشورهای منطقه تأثیر منفی دارد. این مقاله به نظر من مقاله بسیار مهمی می تواند باشد که بتوانیم بخوانیمش و بحث هایی که در این خصوص مطرح شده را می توانیم اینجا داشته باشیم. من توصیه می کنم این مقاله را بخوانید و امیدوارم که متن نهایی یادداشت تفاهم را داشته باشیم و بر اساس آن صحبت داشته باشیم. من الان فکر نمی کنم زمان خوبی باشد که از نظر دانشگاهی و علمی در مورد این متن صحبت کنیم. نکته دیگری که می خواهم به آن اشاره کنم این است که در مورد مناسبات ایران و چین خیلی بحث تخصصی نیست. وقتی می گوئیم مناسبات خاص یعنی اینکه ما می خواهیم یک نگاه خاصی را داشته باشیم. ایران و چین حتی در زمان تحریم های امریکا علیه ایران هم، مناسباتش را با ایران حفظ کرده. یعنی نگاه ویژه را داشته آمده. کالاهایش را به ایران صادر کرده و از ایران هم واردات داشته و ما پروژه هایی در حوزه گاز جنوب ایران داریم. بحث همکاری های ایران و چین را داریم. در حوزه افغانستان و پاکستان داریم و اینکه مناسباتی بین این دو تا وجود دارد. از این منظر مناسبات ایران و چین خاص هست. درست است هر مناسبتی افت و خیز خاص خودش را دارد. اما الان این همکاری های بین دو کشور رویکرد گسترشی داشته و توسعه ای داشته. چین مهمترین شریک تجاری برای ایران نیست. می دانید که چین مشارکت های راهبردی زیادی در خاورمیانه داشته. می دانید که رویکرد ما در منطقه خاورمیانه رویکرد متوازی بوده یا چین تلاش کرده روابطش را با مصر، ترکیه، عربستان سعودی و اخیراً هم امارات عربی متحده داشتیم. ایران یکی از این کشورها است. تنها کشور استراتژیک ما در منطقه نیست. در ایران هم همینطور می تواند باشد. علتش هم روشن است. اگر ما نگاهی داشته باشیم به سیاست خارجی ایران بعد از انقلاب اسلامی، می بینیم که یک روندی وجود داشته که سیاست خارجی ایران، سیاست نه شرقی نه غربی بوده از آن سیاست نه شرقی نه غربی آمده یک ذره گذر کردیم به سمت هم شرقی هم غربی، ترکیب این دو را باهمدیگر داشته باشیم. یک نگاه کلی بوده و چین یکی از شرکای مهم ایران بوده در بلوک شرق. پس با این منطق باید عرض کنم که چین هیچ قصدی



ندارد که ایران را وابسته خودش کند و ما هم صادقانه باید عرض کنیم که ما توان این کار را هم در واقع نداشتیم. نکته سومی که می‌خواهم عرض کنم در این نشست اینه که چگونه می‌توانیم روابط دو جانبه را پیش ببریم. طبیعتاً یک سطح اولش، سطح مناسبات استراتژیک هست. چین در دوره‌ای زندگی می‌کند که می‌بینید که آمریکا هم دارد به چین فشار می‌آورد و هم به ایران در عین حال داریم گذر می‌کنیم از دنیای یک جانبه گرایی به سمت دنیای چند جانبه گرایی و می‌بینیم که الان هم آمریکا تلاش کرده که تحریم‌هایی داشته باشد برای تصمیماتی که بین امارات و چین می‌تواند رد و بدل شود. و یا حداقل به تأخیر بیاندازد و الان می‌بینیم که در بحث تحریم‌های تسلیحاتی ایران، آمریکا دارد تلاش می‌کند تمدیدش کند و نکته دیگر این هست که ایران و چین هر دو بخاطر فشارهای آمریکا متحمل مشکلاتی شدند. در ایران بخش مالی را داریم بخش انرژی را داریم در حوزه چین بحث جنگ تجاری را داریم و تحریم‌های هدفمندی که اعمال کرده آمریکا علیه شرکت‌های چینی مثل هواوی. صادقانه باید عرض کنم که تحریم‌هایی که اعمال شده توسط ایالات متحده، هم به ضرر ایران بوده هم به ضرر چین بوده و این یکی از چالش‌های اصلی و فوری ما هست که دو تا کشور باید تلاش کنند در این زمینه حجم تجاری خودشان را نگذارند که کم بشود. در شرایطی که تحریم‌ها وجود دارد من موافق هستم که ما شرکت‌های متوسط و شرکت‌های کوچک را باید تقویت کنیم تا باعث گسترش مناسبات دو جانبه کشور بشود. نکته سومی که باید توجه شود این هست که ایران باید تلاش کنند ببینند که خب این مناسبات چه نفع مشترکی می‌تواند داشته باشد. همانطور که اشاره شد چین در منطقه خاورمیانه یا غرب آسیا هیچ پایگاه نظامی ندارد به استثنای جیبوتی. جیبوتی هم می‌دانید که از منطقه خاور میانه خیلی دور است. ما هیچ رویکرد برای پارادایم نظامی در منطقه خاور میانه نداریم. رویکرد چین در خاور میانه یک مقدار متفاوت است من فکر می‌کنم که این ثبات منطقه‌ای خیلی مهم است و ما باید برای این تلاش کنیم. من خبرها را خواندم که در ماه‌های اخیر یک نفت‌کشی بوده که در نزدیک آب‌های یمن بوده و دیدیم که این نفت‌کش در وضعیت بسیار خوبی قرار ندارد و این خطر وجود دارد که نفتش نشت پیدا کند در آب‌های منطقه. این یکی از حوزه‌های همکاری‌های ما می‌تواند باشد. یکی از حوزه‌های همکاری ما همکاری‌های محیط زیست می‌تواند باشد و ایران و چین می‌توانند با همدیگر همکاری‌هایی داشته باشند برای این منظور تا اینکه کمک کنند به حل مسائل زیست محیطی منطقه‌ای و ایران هم می‌تواند شریک مهمی باشد برای این حوزه. چین یکی از پنج عضو دائم شورای امنیت می‌تواند کمک کند برای هماهنگی این اقدامات با برخی از ذی نفع‌ها.



دکتر فن خونگ دا

عضو هیأت علمی دانشگاه
مطالعات بین الملل شانگهای چین

■ خیلی ممنون که از من دعوت کردید برای بنده مایه افتخار است که با شما همکاری داشته باشم. متأسفانه من نمی‌توانم منظورم را خیلی خوب بیان کنم به زبان انگلیسی. به همین خاطر همسر خودم را که ایرانی هستند دعوت کردم که متن من را به زبان فارسی قرائت کنند. - این چیزایی که الان من می‌خوانم گفته‌های آقای دکتر هست که ما این را ترجمه کردیم به فارسی برای توجه بهتر. و من همه گفته‌های آقای دکتر را می‌خوانم از روی آنها که ترجمه کردیم. متن این است که آیا ایران و چین برای همکاری جامع آماده هستند؟ ماه گذشته دولت ایران اعلام کرد که ایران و چین در حال رسیدن به توافقی تحت عنوان برنامه همکاری جامع ۲۵ ساله هستند، انتشار این خبر شک و مخالفت برخی از ایرانیان داخل کشور را به همراه داشت. همچنین رسانه‌های اسرائیل، آمریکا، انگلیس و سایر کشورها نیز گزارش‌های منفی بسیار اغراق آمیزی در این زمینه منتشر کردند که همه اینها باعث شد تا بی اعتمادی ایرانیان نسبت به دولت در زمینه این برنامه همکاری با چین بیشتر شود. از طرف دیگر صادقانه بگویم در داخل چین نیز دیدگاه‌های متفاوتی در زمینه توسعه روابط با ایران وجود دارد. در نتیجه برنامه همکاری جامع ایران و چین قبل از شکل‌گیری نهایی با چالش‌های جدی روبرو شده است. این اتفاق بار دیگر به ما یادآوری می‌کند که توسعه روابط دو جانبه میان ایران و چین کاری بس دشوار است. طبیعی است که برخی از کشورهای جهان نیز خوش ندارند تا ایران و چین همکاری‌های بهتر و عمیق‌تری با هم داشته باشند. علاوه بر عوامل بیرونی عوامل داخلی بسیاری همچون عدم اعتماد متقابل و کمبود شناخت عینی میان طرفین با عنوان سدی در مقابل توسعه روابط ایران و چین قرار گرفته است. از زمان برقراری روابط دیپلماتیک میان ایران و چین در سال ۱۹۷۱ چین همیشه ایران را به عنوان یکی از مهمترین شرکای خود در خاورمیانه در نظر گرفته است به ویژه پس از ارائه طرح چین به عنوان یک کمر بند یک راه. سیاست‌گذاران چینی توجه بیشتری نسبت به ایران نشان داده‌اند. سفر شی جینگ پین رهبر چین به ایران در سال ۲۰۱۶ این نکته را بیش از پیش برجسته کرد. در سالهای اخیر چین با حفظ عدالت بین المللی، با مخالفت خود با تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران و حمایت از توافق هسته‌ای ایران، همواره در کنار ایران ایستاد. به اعتقاد چین، این کشور تلاش‌های فراوانی را برای تقویت روابط خود با ایران انجام داده است. در یک سال گذشته روابط دیپلماتیک ایران و چین نیز افزایش چشم‌گیری داشته است. آقای ظریف وزیر امور خارجه ایران بعد از سفرش به چین در اواخر آگوست ۲۰۱۹ در رسانه‌های اجتماعی نوشت. من در پکن برنامه ۲۵ ساله برای همکاری جامع استراتژیک را پیشنهاد کردم. در اکتبر همان سال آقای روحانی رئیس جمهوری ایران ابراز امیدواری کرد که تحقیق و تدوین برنامه همکاری جامع ۲۵ ساله بین ایران و چین هرچه سریعتر انجام شود. در ژوئن سال ۲۰۲۰ دولت ایران اعلام کرد که برنامه همکاری جامع ۲۵ ساله بین ایران و چین به تصویب دولت رسیده است. ایران نیز اخیراً در موضوعات مرتبط با حاکمیت و تمامیت ارضی چین همچون هنگ کنگ تایوان و تبت حمایت آشکار خود را از چین نشان داده است. به اعتقاد ایران، این کشور بر تمامی توان در پی گسترش روابط خود با چین است. سوال این است که آیا



چین واقعا آمادگی لازم برای توسعه روابط با ایران را دارد؟ آیا ایران واقعا مقدمات لازم برای تعمیق روابط با چین را فراهم کرده است؟ در حقیقت ایران و چین هر دو باید به برخی از نگرانی‌های طرف مقابل پاسخ بدهند. پس از امضای توافق هسته‌ای ایران در سال ۲۰۱۵، ایران دیپلماسی خود را بر اروپا متمرکز کرد و تمایل و اشتیاق چندانی برای توسعه روابط با چین نداشت. در این دوره شور و شوق ایران برای توسعه روابط با چین زیاد نبود اما بعد از خروج ایالات متحده از توافق هسته‌ای ایران در سال ۲۰۱۸ و اعمال فشار حداکثری، دیپلماسی تمایل به غرب در ایران دچار افول شد. در چنین شرایطی ایران توان بیشتری را معطوف به تقویت دیپلماسی با چین کرده است. اکثر افراد مطلع در چین از مقامات، اندیشمندان، اصحاب رسانه گرفته تا مردم عادی دقیقا این موضوع را بخاطر دارند به همین خاطر این افراد غالبا سوالاتی این چنین را مطرح می‌کنند. آیا ایران برآستی در پی عمیق روابط خود با چین است؟ پیشنهاد ایران برای تعمیق روابط با چین در این شرایط آیا تحت تأثیر فشار آمریکا و اروپا نبوده است؟ آیا ایران در بهبود روابط با کشورهای اروپایی و آمریکا باز هم به چین توجه خواهد داشت. برخی از اندیشمندان چینی نسبت به نیت واقعی دولت ایران از اعلام برنامه همکاری جامع ۲۵ ساله بین ایران و چین در چنین شرایط و تمایل واقعی ایران برای توسعه روابط با چین تردید دارند. برای دوره‌ای نسبتا طولانی دیپلماسی چین تحت تأثیر روابطش با آمریکا بوده است. این موضوع خوبی برای ایران که مدتهاست با آمریکا درگیری جدی دارد نیست. همچنین تجربه ایران در طول تاریخ و ضربه خوردن از قدرت‌های بزرگ باعث شده تا در همکاری با قدرت‌های بزرگ ترس و نگرانی داشته باشد. ایران از اینکه بخواهد تبدیل به مهره‌ای در دست قدرت‌های بزرگ بشود و به منافعش آسیب برسد بسیار نگران است. به همین خاطر عده‌ای از ایرانی‌ها نسبت به نگرش واقعی چین نسبت به ایران تردید دارند. آیا چین به خاطر بد بودن روابطش با آمریکا تعمیق روابط با ایران را برگزیده است. همکاری عمیق با چین منجر به سلطه چین خواهد شد؟ ورود چینی‌ها باعث آسیب‌زدن به طبیعت ایران خواهد شد؟ همکاری با چین به حاکمیت و استقلال ایران لطمه خواهد زد؟ چرا شهروندان ایرانی مقیم چین نمی‌توانند مانند شهروندان سایر کشورها حساب بانکی باز کنند. توسعه و پیشرفت ایران در حال حاضر با مشکلات زیادی روبرو است. از نظر تعداد زیادی از ایرانی‌ها چین در جامعه بین المللی رفتارهای پرخاشگرانه دارد. و همخوانی جامعه با چنین کشورهایی حتما به منافع ایران آسیب می‌زند. مسائلی همچون باز نکردن حساب بانکی برای ایرانیان مقیم چین، باعث شده تا ایرانی‌ها احساس کنند که توسط چین مورد بی احترامی قرار گرفته‌اند. همچنین صید بی رویه ماهی در بندر عباس باعث بروز نگرانی در برخی از ایرانیان شده است. همچنین تبلیغ آمریکا و سایر کشورها مبنی بر اینکه برنامه همکاری جامع ۲۵ ساله بین ایران و چین شامل انتقال خاک ایران و اجازه ورود نیروهای نظامی چین به ایران، باعث شده تا زخم کهنه تاریخی ضربه خوردن از کشورهای قدرتمند سر باز کند. کاملا واضح است که بسیاری از ایرانیان در مواجهه با چین فعلی، حالتی سرشار از نگرانی داشته باشند. بنابراین بدون در نظر گرفتن تأثیر سایر کشورها و تنها با در نظر گرفتن مشکلات بین

ایران و چین، اجرای واقعی همکاری جامع کاری بسیار دشوار است. این یک واقعیت است آرزوی ما که امروز درباره روابط ایران و چین صحبت می‌کنیم چیست؟ مسلماً آرزویمان این است که روابط میان دو کشور روز به روز گسترش پیدا کند. به همین خاطر وظیفه ما دانشمندان پیدا کردن راهی است برای تقویت و گسترش روابط میان دو کشور. به اعتقاد من یکی از روش‌های موثر برای تحقق این هدف از بین بردن موانعی است که بر سر راه توسعه روابط دو کشور قرار دارد. مثل پاسخ فعالانه طرفین به شک و تردیدهایی که در هر طرف وجود دارد. و در بالا نیز به آنها اشاره شد. پایه و اساس همکاری ایران و چین در زمینه‌های گوناگون با یکدیگر متفاوت است بنابراین همکاری دو طرف در زمینه‌های مختلف باید بر اساس شرایط واقعی انجام شود. ایران و چین بارها بر اهمیت توسعه روابط دو جانبه تأکید کردند اما این حرفها اگر عملی نشوند کمکی به تقویت روابط دو کشور نخواهند کرد. به همین خاطر بهتر است طرفین این حرفها را به مرحله عمل برسانند. از مدتها قبل اعتقاد دارم که عدم شناخت متقابل میان ایران و چین به حدی جدی است که بر توسعه سالم روابط میان دو کشور تأثیر منفی گذاشته است. چه ایران و چه چین هر دو فاقد شناخت لازم نسبت به یکدیگر هستند. و اغلب اطلاعات منتشر شده توسط کشورهای دیگر را به عنوان مرجع شناخت یکدیگر در نظر می‌گیرند که این موضوع آسیب جدی به پیشرفت روابط ایران و چین خواهد زد. به همین خاطر چین و ایران قبل از مذاکره درباره برنامه همکاری جامع ۲۵ ساله باید هرچه سریعتر به تقویت شناخت عینی در باره یکدیگر بپردازند زیرا میزان پیشرفت در روابط دو کشور بستگی به میزان درک و شناختی است که نسبت به هم دارند.

دکتر فؤاد ایزدی: اجازه بدهید من یک سوال از خودتان بپرسم؟ خب سوالی که مطرح است با توجه به اینکه حضرتعالی چند سال در چین زندگی می‌کنید در فرمایشات آقای دکتر هم بود این شناخت دو طرف نسبت به هم کم است. با توجه به حضوری که در آنجا چند سال داشتید چه نکاتی را فکر می‌کنید مخاطب ایرانی در رابطه با چین باید بداند که نمی‌داند و این یک فرصتی هستش با توجه به اینکه ما اینجا رسانه هم داریم. چه نکاتی را فکر می‌کنید مخاطب ایرانی باید درباره چین بداند. مشاهدات عینی و میدانی‌تان را اگر به مقدار برایمان توضیح بدهید

■ بی بی سی، ایران اینترنشنال خیلی زیاد خبر نشر میدهند. ولی متأسفانه در این رسانه‌ها اخیراً در مورد چین حالت منفی تبلیغ می‌کنند. می‌دانیم که اینها توسط انگلیس و امریکا و اسرائیل هدایت می‌شوند. ولی در رسانه‌های ایران زیاد چیزی گفته نشده است. فرهنگ چین خیلی خوبه. یا مثلاً اینکه فرهنگ غذا خوردنشان که اخیراً هم خیلی بحث در مورد آن شد و ایرانی‌ها خیلی منفی در موردش فکر می‌کنند ولی واقعا اینطوری نیست خیلی غذاهاشون اون چیزی که ما فکر می‌کنیم نیست باید تحقیق کند و اینکه فرهنگشان اقتصادشان و سیاستشان. من حس می‌کنم خیلی وحشتناک دارد تبلیغ می‌شود. اینها را اگر بخواهیم به جوانهای ایرانی خودمان معرفی کنیم باید بهشان آگاهی بدهیم که سیاست چین انقدر که تبلیغ می‌شود وحشتناک نیست. غذاهایی که می‌خورند چیزهای وحشتناکی نیست و فرهنگشان یک فرهنگ خیلی عمیق و



گسترده‌ای است مثل فرهنگ ایران. آمریکا و اروپا با همدیگر به گروه تشکیل دادند و دارند آسیا را خیلی وحشتناک نشان می‌دهند. مثل ایران مثل چین. به نظر من باید کشورهای آسیایی مثل چین مثل ایران هم با همدیگر به گروهی تشکیل بدهند. کلا به فرهنگ سازی کنند. متأسفانه کشورهای آسیایی مثل اروپا و آمریکا، کنار هم نیستند. خب خیلی ممنون خانم زرین واقعا استفاده کردیم.

■ خیلی سریع می‌روم سراغ اصل بحث و سعی می‌کنم برخی از محورهایی که همکاران عزیز گفتند را بصورت مشخص‌تر و مثال از رسانه‌های چینی بگویم خدمت دوستان عزیز. من از سال ۲۰۱۶ آدمم به چین و شهر شانگهای. دقیقا از زمانی که این بحث توافق مطرح شده بود یعنی چند ماه بعد از دیدار رئیس جمهور چین با رهبری، من خیلی تماس داشتم با اساتید و نخبگان سیاسی چین و سعی کردم دیدگاه‌های آنها را نسبت به ایران احصا بکنم و برای اینکه بحث خیلی مشخص‌تر جلو برود پاور پوینت خودم را نشان می‌دهم و این محورها را شاید فرصت هم نباشد حداقل به گوش شنوندگان عزیز برسد. تعامل به عنوان زیربنای روابط پایدار هست. من می‌خواهم این را بحث کنم که چرا این شناخت وجود ندارد یا مشکل داریم. ببینید الان در ایران رشته چین شناسی را نداریم و در واقع آن چیزی که به عنوان چین شناسی الان در ایران هست بحث زبان و ادبیات چینی هست، یعنی منحصر هست به بحث زبان و ادبیات چینی و تقریبا ما وضعیت مشابهی را در چین داریم، در واقع تمرکز و توجه بحث، زبان و ادبیات فارسی هست که خب البته خوبه ولی خیلی ناقص است و کافی نیست و ما مراکز چین شناسی نداریم در ایران و همین‌طور در چین، ایران شناسی نداریم. ادبیاتی که هست از مسیر آمریکا ترجمه شده. حتی جالب است من گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس را می‌خواندم. دقیقا همان ادبیاتی که آمریکایی‌ها علیه چین استفاده می‌کنند ترجمه شده بود در چند صفحه رسمی مطرح شده بود. سطح جابجایی توریست کشور خیلی پایینه. علی‌رغم اینکه سفر به چین خیلی راحت و کم هزینه بود. ایرانی‌ها معمولا زیاد دوست ندارند بروند چین و خب چینی‌ها می‌آیند به ایران بیشتر با کسانی می‌آیند که کارهای تجاری دارند انجام می‌دهند و جابجایی‌های معمولی انسانی بین ایران و چین خیلی پایین است. یعنی ایران به عنوان یک هدف توریستی برای توریست‌های چینی هیچ وقت مطرح نبود. من خیلی تحقیق کردم و صحبت کردم با سیاست مدارهای چینی و اساتید چینی که می‌خواستیم ببینیم بزرگترین مسئله و نگرانی‌شان نسبت به ایران چی هست؟ و من این را از یکی از روزنامه‌های چینی آوردم. اقتصاددانی به اسم آقای پو گفته که ما به عنوان چین خیلی باید مواظب باشیم. ما باید از گذشته درس بگیریم چونکه ما آمدیم در لیبی و ونزوئلا سرمایه گذاری کردیم ولی همه چیز خراب شد و ما همه چیز را از دست دادیم بخاطر بی ثباتی که در آن کشورها بود و خب الان ما باید ببینیم که آیا در ایران به اندازه کافی ثبات وجود دارد. و این موضوع به نظر من یک نگرانی خیلی بزرگ است برای نظام حاکمه چین و همچنین



دکتر مهدی یوسفی

مدیر برنامه آموزش آنلاین دانشگاه
مطالعات بین الملل شانگهای چین



کسانی که دوست دارند سطح روابط ایران و چین را یک مرحله بالاتر ببرند. یکسری موانع ریشه‌ای‌تر از نظر شناختی وجود دارد. اینکه بین سیاستمداران چینی و حالا به طور کلی در فرهنگ چین، مساله دین و حالا به طور خاص اسلام به عنوان یک دین خیلی ناشناخته است و عنصر محوری و اساسی نیست و تا بیایند فرهنگ ایران را بشناسند خیلی مشکل دارند یعنی بعضی از مفاهیم پایه‌ای فرهنگ ایران، خیلی سخت است توضیح دادنش برای سیاست مدارهای چینی یا حتی نخبگان چینی. و آن برنامه‌هایی که تحت عنوان مطالعات غرب آسیا یا خاورمیانه در چین هست خیلی غلبه نگاه کشورهای عرب در آن هست یعنی در واقع آن چیزی که تحت عنوان مطالعات خاور میانه هست، مطالعات کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس هست نه ایران و شاید حاشیه‌اش ایران هم بحث می‌شود. پس این در واقع مشکلاتی هست که به لحاظ زیرساختی وجود دارد. اما تجربه خودم، ما شب اول که وارد شانگهای شدیم به اتفاق همسرم فکر نمی‌کردیم که اینجا چهار سال بمانیم ولی از لحاظ فرهنگی احساس خیلی مثبتی داشتیم وقتی مقایسه می‌کردیم با تجربه زندگی‌مان در آمریکا. در واقع از جهات مختلف شباهت فرهنگی بود بین ایران و چین و همین طور چینی‌هایی که همسایه‌های ما هستند و دوستان ما هستند خیلی پذیرش خوبی داشتند و خیلی فضای خوب و مثبتی بود. از سمت ایران هم خیلی جهالت وجود دارد نسبت به چین از جمله اینکه ما هنوز به این شناخت نرسیده ایم که چین همین الان یک قدرت خیلی بزرگ هست و در آینده نزدیک، طبق چیزی که خود آمریکایی‌ها می‌گویند از نظر اقتصادی جایگاه آمریکا را خواهد گرفت. اینجا در یکی از نمودارهایی که اینجا من نشان دادم ما داریم می‌بینیم که اقتصاد آمریکا، اتحادیه اروپا و حتی ژاپن دارد افول می‌کند. این صحبت ده سال دیگر هست، سال ۲۰۳۰، ولی چین و حتی هند با یک سرعت خیلی بالایی دارند رشد می‌کنند و آخرین آماری که ما داریم سال ۲۰۱۹، آمار رشد اقتصادی چین ۶/۱ بود یعنی کاملاً منطبق با این پیش بینی هست. آماری که جدیداً آمده چین یکی از اولین اقتصادهایی هست که توانسته خودش را جمع بکند و اثرات کوید ۱۹ را کنترل بکند در اقتصادش. خیلی موقع‌ها فکر می‌کنیم چین می‌رود و جای آمریکا را می‌گیرد ولی نه اصلاً، چین دنبال همچین موضوعی نیست. یعنی همچین تمرکزی ندارد و شاید آینده سیستم قدرت در شبکه جهانی به شکلی خواهد بود که ما دیگه ابرقدرت به آن معنایی که سابقاً داشتیم را نخواهیم داشت و تمرکز اصلی چین در سیاست داخلی و سیاست خارجیش بحث رشد اقتصادی است. یعنی همه چیز را ذیل رشد اقتصادی می‌بینند. این البته از ی جهاتی خیلی منفی هست چون در گذشته که چین از نظر اقتصادی خیلی خوب بوده اما در مواجهه با یورش قدرت‌های خارجی نتوانست آن مقاومت لازم را داشته باشد. یک کمربند یک جاده که ازش صحبت می‌شود ظاهراً بر همین اساس هست یعنی به دنبال شناسایی بازارهای جدید برای فروش محصولات چینی هست. و ایران هم در این طرح یک جایگاه خیلی مهمی دارد. همانطور که در تصویر می‌بینید ایران در واقع دارد چین را وصل می‌کند به اروپا، آنطور که من بیش از ۲۰ تا کنفرانس شرکت کردم در چین در رابطه با این طرح هیچ وقت ایران مورد تأکید و محل توجه نبود



است. بیشتر از پاکستان صحبت می‌کنند و امیدواریم که این بحث مطرح شدن این توافق یک شروعی باشد که ایران هم مورد توجه باشد. نکته بعدی این است که چین چندین هزار سال در موضع قدرت بوده و اگر هم دوباره مطرح می‌شود بحث بازگشتش به قدرت هست. بنابراین مؤلفه‌های قدرت‌ش خیلی ریشه‌ای هست. بحث آمریکا هم در این چهارچوب مطرح است چون ضلع سوم روابط ایران و چین، آمریکا هست و این را زیاد بحث کردند من از آن می‌گذرم. یکسری نگرانی‌ها را می‌بینم بین اساتید مطرح امریکایی مثل ژوزف نای، اینها خیلی نگران شدند و خیلی دارند تأکید می‌کنند که چین نمی‌تواند بیاید جای ما را بگیرد ولی خب همانطور که گفتم آن‌طور که من دارم می‌بینم از صحبت‌های سیاست مدارهای چینی، اصلاً همچین هدف‌گذاری در واقع وجود ندارد. کوید ۱۹ هم البته این رقابت راهبردی چین و آمریکا را هم سرعت بیشتری به آن داده و در بحث قدرت نرم چین را بیشتر جلو برده. در مورد ابعاد رسانه‌ای توافق ایران و چین خیلی دنبال کردم که ببینم بحث‌ها چیست. یک نکته خیلی مهم در رابطه با سیاست خارجی چین و رسانه‌های چین. به طور کلی در فرهنگ چینی خیلی این عادت را ندارند که سروصدا بکنند و بزرگ کنند برخلاف فرهنگ امریکایی که اصلاً یک چیزی هم وجود ندارد و هیچ چیز جدی هم نیست ولی یک آب و تابی به آن می‌دهند و این را به عنوان یک موضوع خیلی ریشه‌ای و اساسی مطرح می‌کنند فرهنگ چینی دقیقاً برعکس این هست. تمایلی به اینکه خودشان را افشا نکنند ندارند. تمایلی به اینکه سروصدا راه بیان‌دازند و بگویند ما این کارها را داریم می‌کنیم. من همیشه به دوستان چینی می‌گفتم که تصویر شما در ایران خیلی بده چرا فکری برای این نمی‌کنید؟ زمینه‌هایی فراهم کنید که ایرانی‌ها بیایند چین را ببینند یا همایش بگذارید، کتاب بگذارید، تولیدات رسانه‌ای داشته باشید این تصویر اصلاح می‌شود و به واقعیت می‌رسد. و خیلی جواب عجیبی می‌شنیدم می‌گفتند اصلاً چرا باید تصویر خوب داشته باشیم اصلاً چه اهمیتی دارد؟ دو تا چیز از آن من می‌فهمیدم یکی اینکه ما اصلاً بحث دیپلماسی عمومی را به آن صورت در دستور کار نداریم و دوم اینکه فقط عامل اقتصادی دیده می‌شود و بزرگ می‌شود یعنی می‌گویند ما با ایران رابطه داریم و باصطلاح تجارت دارد انجام می‌شود همین کافی است. این موضوع هم به نظر من چیزی هست که از سبک چین باید تجدید نظر در آن صورت بگیرد. با ایران که چین دارد کار می‌کند خیلی مهم است که تصویری که از چین وجود دارد حالا نه غیرواقعی باشد نه اغراق آمیز باشد حقیقی باشد و چون چندین گروه دارند کار می‌کنند که این تصویر مخدوش و غیرواقعی باشد و اگر شما حضور نداشته باشید آنها دارند بازی رسانه‌ای را می‌برند. و یک بعد دیگر این موضوع که همکاران دیگر هم گفتند که در واقع در رسانه‌های چین در مورد این موضوع صحبت نکردند. و به طور خاص اصلاً مقام‌های پکن هیچ اظهار نظر رسمی در این موضوع نداشتند. این دوباره برمی‌گردد به بحث رشد اقتصادی؛ چون الویت الان بحث رشد اقتصادی است چین در میان مدت حداقل شاید به نظر من تا ده سال آینده دوست ندارد سطح تنش را با آمریکا بالا ببرد چون این به طور مستقیم بحث رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. تجارت چین با آمریکا بیش از یک چهارم تجارت خارجه چین را تشکیل

می‌دهد. پرننگ شدن موضوع رابطه با ایران یا تعامل و همکاری با ایران یا مطرح شدن آن از سوی مقام‌های پکن می‌تواند سطح تنش چین با آمریکا را بالاتر ببرد و به همین دلیل هم رسانه‌های چین و هم مقام‌های چینی تمایل دارند که در رابطه با این موضوع سکوت بکنند. طرح یک کمر بند، یک جاده یک اتفاق خیلی مثبت و سازنده است و به نوعی به دوستان چینی هم نشان می‌دهد که طرح همکاری ایران و چین بعد از ۵ سال بالاخره به ثمر نشست یعنی در واقع در ذهن اینها این بود که از همان زمان که رئیس جمهور چین آمده به ایران، چین این قصد دوستی را داشته و تمایل داشتند که این همکاری شکل بگیرد ولی ۵ سال در ایران زمان برد که رسید به این متنی که منتشر شده و باز هم این متن می‌بینیم خیلی کلی هست خیلی جای کار دارد و همانطور که دوستان عزیز چینی هم گفتند خیلی فاصله دارد تا اجرا. من فکر می‌کنم اگر ما بخواهیم ۲۵ سال با چین توافق بکنیم باید حداقل ۵ سال برویم و بیایم و صحبت بکنیم و ببینیم که چیکار می‌خواهیم بکنیم. نمی‌شود که مثلاً هواپیمایمان دارد می‌رود آمریکا یا اروپا وسطش بیایم یک روز هم در پکن توقف بکنیم یک سلام علیکی بکنیم دو تا عکس می‌گیریم و خب می‌گوییم ما با چین توافق کردیم. این اتفاق نمی‌افتد. هیچ وقت بدون مذاکرات دقیق نمی‌توانیم یک توافق پایدار و واقعی با چین داشته باشیم.



دکتر محسن شریعتی نیا

عضو هیأت علمی
 دانشگاه شهید بهشتی

■ قبل از ورود به بحث می‌خواهم یک نکته‌ای را عرض بکنم مسئله شناخت خیلی مسئله جدی نیست چون این رابطه رابطه بین دو دولت هست نه رابطه دو تا ملت. در کوتاه مدت این رابطه بین دولت‌ها جریان دارد یعنی این که چینی‌ها از ما نفت بخرند خیلی ارتباط ندارد چقدر ما را می‌شناسند، اراده سیاسی ارتباط پیدا می‌کند و بنابراین خیلی موافق نیستیم با بزرگ کردن مسئله شناخت که مسئله شناخت مهم است، در رابطه جوامع با یکدیگر اما نمی‌تواند معزل را حل بکند شما مثلاً رابطه هند و پاکستان را نگاه بکنید هند و پاکستان بسیار همدیگر را می‌شناسند. کره جنوبی و شمالی بسیار جوامع‌شان همدیگر را می‌شناسند. در میان قدرت‌های بزرگ شناخت جامعه ایران از جامعه آمریکا بیش از هر قدرت بزرگی است ولی مشکلات ما با آمریکا بیش از هر قدرت بزرگی است. بنابراین عمده کردن بحث جامعه و شناخت به نظر من آدرس دقیقی نیست برای مشکلاتی که ما در رابطه با چین داریم. مشکلات در رابطه دو دولت است.. این سند، یک سندی بین دو دولت هست نه بین دو ملت این نکته اول. بنابراین به نظرم یک مقدار ما داریم زیاده‌روی می‌کنیم در بحث فرهنگ. بحث فرهنگ مهم است منتها در میان مدت و دراز مدت. الان بحث دولت‌هاست و بحث قدرت دولتی هست که می‌تواند این سند را پیش ببرد یا پیش نبرد. بعد از این مقدمه که عرض کردم، رابطه ایران و چین یک رابطه قدیمی هست. بدلیل اینکه ما هر وقت شروع می‌کنیم به صحبت با چینی‌ها حرف از تاریخ می‌زنیم در دوره ساسانی ما ده بار سفیر مبادله کردیم این نشان می‌دهد عمق تاریخی رابطه بسیار زیاد است ولی این تاریخ لزوماً به امروز رابطه هیچ ارتباطی ندارد. ایران جدید و چین جدید خیلی همدیگر را نمی‌شناسند در سطح دولت‌ها عرض می‌کنم ملت‌ها را



فعلا کنار می‌گذارم. فعلا بحث من نیست بنابراین ما نباید فکر کنیم که دولت‌ها همدیگر را می‌شناسند. دولت‌ها هم همدیگر را نمی‌شناسند یعنی شناختشان بسیار ضعیف است. نکته دوم: در روابط بین الملل تعامل کشورها چهار مرحله است: روابط کشورها شامل چهار مرحله است: تعامل، تفاهم، همکاری راهبردی و اتحاد. ۸۰ درصد روابط کشورها در تعامل باقی می‌ماند. در ۲۰۲۱ وارد پنجاهمین سال روابط مدرن ایران و چین می‌شویم یعنی سال آینده در پنجاهمین سال رابطه ایران و چین هستیم. در برابر آن دو هزار سال، رقم خیلی اندکی می‌شود و در این ۵۰ سال، حدود ۴۰ سال رابطه ما در قالب تعامل بوده است. ده سال است که تلاش می‌کنیم تفاهم را در سطح دولت‌ها شکل دهیم. این سند شاید نماد پایان دوره تفاهم است. یعنی دو دولت باهم به یک تفاهمی رسیدند و وارد سخت‌ترین دوره روابط دو کشور شدند یعنی همکاری راهبردی. همکاری راهبردی ساده نیست. بحث‌های دوستانه چینی کردند بسیار دقیق است، در همکاری راهبردی به نظرم چند تا نکته مهم است. نکته اول این است که این سند، یک نقشه راه است. بنابراین به طور طبیعی به یک برنامه عملیاتی نیاز دارد. این برنامه عملیاتی باید میان دولت‌ها تبیین بشود و در سطح بروکرسی راهبردی بین دو کشور. اگر بروکرسی راهبردی اراده‌ای نداشته باشد بویژه در چین برای اینکه این سند جلو برود، این سند حتما جلو نخواهد رفت حتی اگر تمام کتاب‌های چینی به فارسی ترجمه بشوند. بنابراین مخاطب، دولت‌ها هستند. یک نکته‌ای که باید به آن توجه کنیم تقویت اعتماد راهبردی است ما مشکل اعتماد راهبردی داریم. در سطح دو دولت، مشکل آشکار است. در بحث‌هایی که امروز شد به آن اشاره شد اینکه چطور می‌توانیم کمبود اعتماد راهبردی را جبران بکنیم بزرگترین چالش اجرای این سند است. و این یک روزه و دو روزه حل نخواهد شد بحث شناخت جامعه بخشی از آن هست ولی باید بین نخبگان دو کشور اعتماد راهبردی بوجود بیاید. نکته دوم در اجرایی شدن یک سند یا در پیشبرد همکاری‌های راهبردی، جایگاه آمریکاست. رابطه ایران و چین در سطح دولت‌ها هیچ وقت یک رابطه دو جانبه نبوده. ایران از ۱۹۴۲ تا ۱۹۷۱ چین را به رسمیت نشناخت به دلیل اینکه آمریکا چین کمونیست را به رسمیت نمی‌شناخت. از ۱۹۷۱ ایران شروع کرد به رابطه با چین برای اینکه آمریکا چین را به رسمیت شناخت. بعد از انقلاب ایران، آمریکا نقش بسیار کلیدی داشت در اینکه رابطه ما را محدود کند. بر اساس آمارهای رسمی الان سهم ما از بازار نفت چین ۳ درصد است در حالی که پیش از تحریم‌ها شاید سهم ما بالاتر از ۱۷ درصد بود. اینکه چجوری می‌توانیم یک تعریف مشترکی از نقش آمریکا در این رابطه داشته باشیم بسیار اهمیت دارد که این رابطه یک تعریف ابزاری نداشته باشد. به طور تاریخی این رابطه از تعریف ابزاری بسیار آسیب دیده و هر دو طرف احساس کردند که کارت بازی دیگری هستند. اگر آمریکا درست در این رابطه تعریف نشود به شکلی که نگاه ابزاری از این رابطه حذف نشود به نظر من این سند اجرا نخواهد شد. ببینید چین از مسیر بازار وارد ایران شده. بنابراین ما دو طرف نگرش بازاری به هم داریم. این رابطه نمی‌تواند راهبردی باشد این رابطه حداکثر یک رابطه بازاری می‌شود و ما باید از یک رابطه بازاری به سمت یک رابطه راهبردی برویم. اتفاقی که در رابطه چین و پاکستان افتاده. و رابطه فراتر از بازار در سطح راهبردی و اجرای دو کشور جریان پیدا کرده.

بنیان اجتماعی این رابطه ضعیف است و می‌تواند ضعیف‌تر هم بشود. نکته بعد، مدیریت تفاوت‌هاست. ما یکسری تفاوت‌ها در سیاست خارجی دو کشور داریم. بحث اسلام سیاسی بحث بسیار حساسی است و مباحث دیگری هم هست که تفاوت ایجاد می‌کند در آن برنامه عملیاتی که تدوین می‌شود به نظرم الیت راهبردی دو کشور و بروکراسی راهبردی باید به جمع بندی‌های مشترک روی تفاوت‌ها برسد. ما یکسری تفاوت‌ها داریم که این تفاوت‌ها نباید آسیب بزند به مسیر رابطه و نکته نهایی، شگفتی‌های راهبردی هست که در رابطه رخ می‌دهد. به طور تاریخی اگر شما نگاه بکنید در چند دوره، رابطه ایران و چین دچار شگفتی راهبردی شده و این شگفتی راهبردی، مسیر رابطه را تغییر داده. یکی از بحث‌ها این است که ما چجوری می‌توانیم شگفتی‌های راهبردی را مدیریت بکنیم به صورتی که به مسیر رابطه آسیب نزنند. کرونا یک شگفتی راهبردی بود. در مسیر کرونا یک تنش‌هایی در روابط ایران و چین بوجود آمد و از این شگفتی‌های راهبردی در آینده بیشتر می‌شود بدلیل اینکه سیستم بین المللی به سمت دوره بعد از ثبات هژمونیک حرکت می‌کند، سورپرایزها در سیستم بیشتر می‌شود، کشورها سیاست‌هایشان تغییر می‌کند و درک متقابل و تداوم همکاری‌های راهبردی در چنین فضایی، بسیار سخت‌تر از فضای ثبات هژمونیک هست و ما باید آماده باشیم برای اینکه اگر فردا یک اتفاقی در رابطه آمریکا و چین یا ایران و چین افتاد، مسیر این رابطه یکبار دیگر به طور کل عوض نشود و این اتفاق تاریخی و این مشکل تاریخی در این رابطه بوجود نیاد. عرضم را جمع بندی بکنم. معزل شناخت جوامع از همدیگر به نظرم نباید عمده بشود. این یک مسئله میان مدت و دراز مدت هست. ممکن هست تا ۵۰ سال دیگر هم جوامع ما همدیگر را خوب نشناسند. موضوع همکاری راهبردی، موضوع بین دولت‌ها هست. دولت‌ها باید به تفاهم برسند و دولت‌ها هم در سطح بروکراسی راهبردی باید به تفاهم برسند و اگر این تفاهم حاصل بشود آن وقت هست که به نظرم مسیر اجرایی شدن سند باز بشود.



دکتر حامد وفايي

مدیر گروه مطالعات چین مجمع
 و عضو هیأت علمی دانشگاه تهران

■ خیلی نشست پر بار و جامعی بود. نشست دو بخش دارد. یکی برنامه همکاری ۲۵ ساله ایران و چین هست. بخش دوم چشم انداز مناسبات در دهه آینده هست که من بیشتر می‌خواهم تکیه کنم روی این بخش دوم. به نظر من، موضوع شناخت دو سطح دارد. یک سطح دولتمردان و سطوح بالای کشور هست. یکی سطح افکار عمومی و پایین‌تر هست من موافق هستم که حالا آن سطح دوم اولویتش کمتر از سطح اول است. منتها بنده معتقدم که ما در خصوص چین در سطح اول هم مشکل داریم یعنی مقامات ما چین را نمی‌شناسند اتفاقا از آن طرف مقامات چین هم ما را نمی‌شناسند. یعنی ما اینجا یک مشکل دو جانبه داریم. این موضوعی که اخیرا مطرح شد همین مسئله همکاری ۲۵ ساله را شما بیاید به عنوان یک case study اینجا مطرح بکنیم. تحلیلش بکنیم، ببینیم که چه اتفاقاتی اینجا افتاد. خب اشاره شد راجع به جزئیاتش من همه اینها را فاکتور می‌گیرم منتها ما این را که مطالعه بکنیم متوجه می‌شویم که یک خلأی اینجا بین ایران و چین وجود دارد که خیلی هم قابل توجه است. به نظر من اینجا چند مسئله



روشن می‌شود اول اینکه نقش موثر منابع غربی در جهت دهی افکار عمومی ایران و چین. این خیلی اسف بار و یک حقیقت تلخی هست. اشاره کردند که در رسانه‌های چین این مطرح نشده من خدمت شما بگویم ما در چین دو تا لایه داریم یک لایه رسانه‌های رسمی چین هستند، یک رسانه اجتماعی ما در چین داریم که اتفاقاً آنجا خیلی مطرح شد این موضوع. مثلاً من نمونه‌اش را خدمت شما بگویم. خانم لی که اینجا هستند خبرنگار فونیکس. ایشان یک رسانه رسمی دارند که تلویزیون فونیکس است، یک کانال دارند در وی بو چین که در حقیقت شبکه مجازی و توئیتر چینی‌ها هست و میلیون‌ها نفر و دهها میلیون و صدها میلیون چینی آنجا کامنت می‌گذارند از قضا آنجا کلی مطلب مطرح شده راجع به توافق و کلی بازتاب منفی داشته و حمل بر این شد که در ایران نسبت به چین اعتماد وجود ندارد و حتی حمل بر این شد که مقامات ایرانی نسبت به چین این اعتماد را ندارند و نگران‌اند مردم ایران. من می‌روم سراغ موضوع دومش بحث عدم آگاهی ایرانی‌ها از چین هست در چند تا حوزه. اولاً افکار عمومی ما و حتی خیلی از مقامات ما از ظرفیت اقتصادی چین آگاه نیستند. چین یک بازار یک میلیارد و خورده‌ای هست که یک ظرفیت عظیمی برای صادرات کالای ما دارد که این را خیلی‌ها از آن غافل هستند و آن تفاوت اقلیمی که در چین هست. اقوامی که در چین هست. بازار منطقه مسلمان نشین چین عملاً ایران هیچ حضوری آنجا ندارد. ترکیه روابطش با چین روابط خوبی نیست اما ترکیه در آن بازار حضور دارد و این خیلی جای فکر دارد که ما چرا به این نگاه نمی‌کنیم. من می‌خواهم بگویم آن دسته افرادی که این را محکوم کردند و آن دسته افکار عمومی که محکوم کردند، بی اطلاع‌اند از بحث ظرفیت‌های اقتصادی. دوم، بحث هدف گذاری مدیریت استراتژیک در سطح حاکمان چین هست، یعنی ما نمی‌دانیم حکومت چین و دستگاه حاکم چین، حزب کمونیست چین چه هدف‌گذاری را کرده برای ماههای آینده و برای سالهای آینده. اگر این آگاه‌سازی بشود در ایران در این حوزه خیلی از این نگرانی‌ها برطرف می‌شود شما اگر نگاه بکنید کلی از دغدغه‌هایی که در حوزه این برنامه ۲۵ ساله مطرح شد ناظر هست بر تجربیات منفی ایرانیان از استعمارگران سابق. اگر ما آگاه باشیم از برنامه استراتژیک مقامات اصلی چین و آن هیئت حاکمه چین خیالمان راحت می‌شود. بخش دوم عنوان جلسه هم بود چشم انداز مناسبات ایران و چین در دو دهه آینده. ما در حوزه دیپلماسی که آقای دکتر هم اشاره کردند در حوزه دیپلماسی عمومی در حوزه چین ما هیچ کاری نکردیم و ما می‌دانیم که مدیریت استراتژیک یکی از پایه‌هایش روابط عمومی است. شما در حوزه روابط عمومی چه کردید با ایران. یعنی مردم ایران الان چه تصویری از چین در ذهنشان هست؟ و این خیلی مهم هست به نظر من تبیین نشده از آن طرف در چین هم این اتفاق افتاده از آن طرف چینی‌ها انجام نشده بنابراین یک حرکت توجیهی ما لازم داریم از سطوح حاکمیتی به سطوح اجتماعی فرهنگی. به نظر من خیلی مهم هست که ما متوجه می‌شویم دو کشور در سطح روابط عمومی مدیریت استراتژیک عملاً کار خاصی نکردند. نهایتاً می‌خواهم بگویم وقتی که ما می‌آییم مناسبات مشارکت جامع راهبردی با یک کشوری پایه ریزی می‌کنید این نیازمند شناخت در دو سطح هست که اشاره کردند شناخت دولت‌ها، شناخت ملت‌ها و اگر این نشود اگر این



روشن بود. بدلیل اینکه چین در سالهای اخیر در واقع تعاملات اقتصادی و تجاری بسیار بالایی با اروپا و آمریکا داشته. شبهه‌ای ایجاد شد که آقا چین برد و خورد و از این حرفا. از دیدگاه حقوقی بالاخره کشور قانون دارد. قانون اساسی دارد. قوانین معمولی و عادی دارد که مجلس اینارو تصویب کرده، این قوانین هیچ وقت اجازه چنین کاری را به هیچ کشوری در واقع نمی‌دهد. نگران این مباحث نباشید. اینها عمدتاً ناشی از بی‌اطلاعی و همان عدم شناخت است. در راستای همین بحث اعضای خارجی ایران ببینید یکی از نکات برجسته این قانون این است که اتباع بیگانه مطابق قانون تملک اموال غیرمنقول که در سال ۱۳۱۱ - ۱۳۱۰ شمسی یعنی بیش از ۸۰ سال قبل تصویب شده، به هیچ وجه امکان تملک اموال غیرمنقول ندارند. جای تعجب است که در واقع چیزی که قانون‌های ما به صراحت منع می‌کنند. رقبای اقتصادی ما این منع را برداشتند. الان ترکیه، گرجستان پول زیادی از مردم ما جذب می‌کنند برای اینکه اموال غیرمنقول را ایرانی‌ها بخرند. خود قرار داد هنوز امضا نشده براساس بیانیه مشارکت راهبردی در سال ۹۴ در واقع منتشر شد، هم در ایران هم در چین. الان در سایت ریاست جمهوری ما هست. حتماً در چین هم هست. خیلی از مباحث و دغدغه‌ها سال ۹۴ در واقع عنوان شده. این بیانیه که بیانیه است، بیانیه سیاسی است. هنوز به قرارداد نرسیده، متأسفانه این همه جنجال شده، در حالی که اگر بخواهد به قرارداد برسد چون پای دولت چین در کار هست قطعاً مطابق اصل ۷۷ قانون اساسی، اصل ۱۲۵ قانون اساسی، اصل ۱۵۳ قانون اساسی قطعاً باید در مجلس مطرح بشود و انتظار ما این است که این توافق را مطالعه کنند. این توافق سه تا ضمیمه هم دارد که آنچه در اینترنت منتشر شده در واقع ما از آن ضمیمه‌ها خبر نداریم. امیدواریم خود این توافق نامه راهبردی ۲۵ ساله و همچنین ضمیمه‌های آن لاقلاً در سایت وزارت امور خارجه بارگزاری بشود. تشکیل یک تیم حقوقی قوی را در این قرارداد الان از دولت مطالبه می‌کنیم. آقای شی جینگ پین و رهبر مقام معظم انقلاب تأکید کردند که این اجرایی بشود. الان چند سال است معطل مانده و نشده. من نمی‌دانم بخاطر راهبردی بودنش هست که انقدر طول کشیده چو، ن دغدغه کشور ما هم بوده، دغدغه رهبران عالی چین هم بوده ولی اینکه چرا ۵ سال طول کشیده برای من جای سوال است. نکته دوم اینکه الان ما قانون شفاف داریم، هم چینی‌ها دارند و این می‌تواند کمک کند و خیلی از نگرانی‌ها را برطرف کند و عرض دیگرم این است که این تخریب، متأسفانه از رسانه‌های آنطرفی ریشه و نشأت می‌گیرد. دغدغه خیلی خوبه اما به شرطی که دغدغه درون‌زا باشد، نه دغدغه‌ای که دیگران برای ما مطرح کنند. امیدواریم این جلسه و جلسات بعدی که به صورت تخصصی احتمالاً باید تشکیل بشود هر گروهی در حوزه خودش بخشی از این دغدغه‌ها را پوشش بدهیم و تجربه موفقی باشد. یکی از محورهای این سند، بحث مبادله با ارزهای بومی و پول ملی کشورهاست و می‌تواند کمک زیادی به بومی سازی اقتصاد ما داشته باشد. یک کمربند یک جاده، ایران در مسیر آب‌انش، هم در مسیر خاکی‌انش بالاخره با توجه به موفقیت ایران در جبهه مقاومت و این اتحاد ایران و عراق و سوریه بالاخره اگر چینی‌ها بخواهند یک راه امنی داشته باشند برای بازار اروپا، شاید کانال سوئز همچین راه مطمئنی نباشد این می‌تواند یکی از راه‌های مطمئن باشد.

کنز ارس تصویر



گزارش نشست تخصصی | ۱۳۹۹/۴/۳۰



بنامه ساله
همکاریها تهنیت - بکن

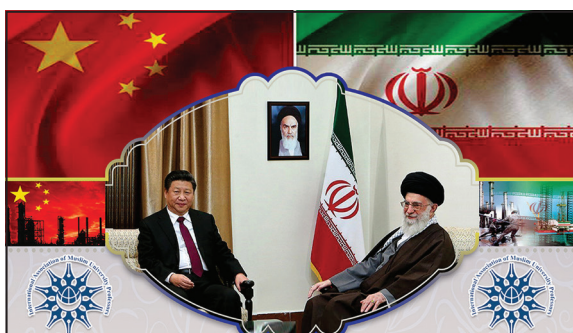




گزارش نشست تخصصی
۱۳۹۹/۴/۳۰



بنامہ سالہ
ہمکاری کا تحریک۔ پکن



مجمع بین المللی اساتید مسلمان دانشگاه‌ها بر گزار می کند:
برنامه ۲۵ ساله همکاری های تهران - پکن و چشم انداز مناسبات ایران و چین در دو دهه آینده

زمان: دوشنبه ۲۰ تیر ماه ۱۳۹۹ ساعت ۱۰:۰۰ الی ۱۲:۰۰

- ۱- آقای سید محمد حسین ملائک، سفیر اسبق جمهوری اسلامی ایران در چین
- ۲- دکتر مهدی صفری، سفیر اسبق جمهوری اسلامی ایران در چین
- ۳- آقای غلامعلی خوشرو، نماینده سابق جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل
- ۴- آقای هوا لبینیک، سفیر اسبق جمهوری خلق چین در ایران
- ۵- دکتر حامد وفایی، مدیر گروه مطالعات چین مجمع و عضو هیات علمی دانشگاه تهران
- ۶- دکتر محسن شریعتی نیا، عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی
- ۷- دکتر ابوالفضل علمایی، مدرس دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه
- ۸- دکتر علیرضا مغلولو مهره‌نی، مدیر گروه حقوق خصوصی مجمع و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی
- ۹- دکتر مهدی یوسفی، مدیر برنامه آموزشی آنلاین دانشگاه مطالعات بین الملل شانگهای چین
- ۱۰- دکتر وو بینگ بینگ، عضو هیات علمی دانشگاه پکن
- ۱۱- دکتر فن خونگ دا، عضو هیات علمی دانشگاه مطالعات بین الملل شانگهای چین
- ۱۲- دکتر جین لیانگ شیانگ، عضو هیات علمی انستیتو مطالعات بین الملل شانگهای چین
- ۱۳- دکتر چین تیان، عضو هیات علمی انستیتو روابط بین الملل معاصر چین

اساتید چینی از طریق اسکایپ حضور خواهند داشت

<https://www.aparat.com/IAOMUP/live>

@iaomup

لینک پخش مستقیم
 پخش زنده اینستاگرام

یا توجه به محدودیت‌های فاصله گذاری اجتماعی، امکان حضور فیزیکی اساتید محترم در مجمع وجود ندارد.
 مکان: میدان ولیعصر (عج) - خیابان ولیعصر (عج) - روبروی سینما استقلال کوچه شهید شامی پلاک ۲۷



مقام معظم رهبری (مدّ ظلّه العالی)

عمدتاً نگاه باید طرف شرق باشد؛ نگاه به طرف غرب و اروپا و مانند اینها برای ما جز معطل کردن، جز دردسر، جز منّت کشیدن و کوچک شدن هیچ اثری ندارد. باید نگاهمان به طرف شرق باشد؛ کشورهایی هستند که می‌توانند به ما کمک کنند، می‌توانیم با چهره‌ی برابر با آنها مواجه بشویم، ما به آنها کمک کنیم، آنها هم به ما کمک کنند، تبادل علمی با آنها داشته باشیم.

(دیدار با نخبگان و استعدادهای برتر)

۱۳۹۷/۷/۲۵